The Rebellion of Muḥammad al-Nafs al-Zakiyya in 145/762

Ṭālibīs *and Early* ʿAbbāsīs *in Conflict*

By

Amikam Elad

12 Ocak 2018
MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN
Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi
Dem. No: 254888
Taş. No:

BRILL

LEIDEN | BOSTON

2016

CHAPTER 8

Banū Asad b. ʿAbd al-ʿUzzā b. Quṣayy b. Kilāb b. Murra b. Kaʿb b. Luʾay b. Fihr (Quraysh)

(Chart XII) Zubeyr b. Awwam (230365)

1 The Family of al-Zubayr b. al-ʿAwwām

1.1 *The Family of Muṣʿab b. al-Zubayr b. al-ʿAwwām b. Khuwaylid b. Asad Supporters of the Revolt*

The Sons of Muṣʿab (known as Khuḍayr) b. Muṣʿab b. al-Zubayr

Immediately upon taking control of the city, Muḥammad and his supporters broke into the jail, imprisoned the ʿAbbāsī governor, Riyāḥ, and broke open the gates of *bayt al-māl*. One of his supporters, called Ibn Khuḍayr, was sent to rescue Muḥammad's brother, Mūsā b. ʿAbdallāh, from the hands of Riyāḥ's people, who were on their way with him to the caliph in al-ʿIrāq.[1]

De Goeje [Houtsma?] identified him as a descendant of Muṣʿab b. al-Zubayr,[2] and McAuliffe followed suit.[3] De Goeje most probably concluded this Zubayrī origin from the tradition which relates that the daughter of Khuḍayr (Amīna) was married to a Zubayrī, al-Zubayr b. Khubayb b. Thābit b. ʿAbdallāh b. al-Zubayr[4] (on him, see below). De Goeje also probably assumed that since she was married to a Zubayrī, she was also of the same family, and indeed he was right. Khuḍayr was the nickname of Muṣʿab b. Muṣʿab b. al-Zubayr b. al-ʿAwwām.[5] Two of his sons, ʿĪsā and Ibrāhīm (and perhaps a third son,

1 Al-Ṭabarī, 3:197–198 (l. 19 to l. 11) (Ibn Khuḍayr is mentioned in line 11) (= al-Iṣfahānī, *Maqātil*, 260 [a partial epitomized tradition], and Ibn ʿAsākir, *Taʾrīkh*, 60:444: a parallel tradition).

2 In al-Ṭabarī, *indices*, 169.

3 McAuliffe, *ʿAbbāsid Authority*, 153, n. 738: "Ṭabarī, *Indices*, identifies him as a descendant of Muṣʿab b. al-Zubayr."

4 Al-Ṭabarī, 3:260; Ibn Ḥazm, *Jamhara*, 122; al-Zubayr b. Bakkār, *Jamhara*, 337 (correct Amīna bt. Muḥammad to Amīna bt. Muṣʿab).

5 Ibn Saʿd, *Ṭabaqāt*, 5:183; al-Zubayr b. Bakkār, *Jamhara*, 337; al-Zubayrī, *Nasab Quraysh*, 250; Ibn Ḥazm, *Jamhara*, 124; al-Balādhurī, *Ansāb* (ed. Madelung), 2:515; but cf. idem, *Ansāb* (ed. ʿAbbās), 5:58: Khuḍayr is Ibrāhīm b. Muṣʿab, who was in charge of the *shurṭa* of

310-342

© KONINKLIJKE BRILL NV, LEIDEN, 2016 | DOI 10.1163/9789004296220_010

Mehmet Apaydın, Siyer kronolojisi, İstanbul: KURAMER, 2018. İSAM DN. 270551

8. 'Âḳil, 'Âmir, İyâs ve Ḫâlid b. el-Bukeyr Kardeşlerin İslâm'a Girişi 337
9. 'Ammâr b. Yâsir ile Ṣuheyb b. Sinân'ın İslâm'a Girişi 337

D. İlk Müslümanların Listesi 338

E. Dârü'l-Erḳam'a Giriş 342

F. İlk Münakaşalar 343
1. Sa'd b. Ebî Vaḳḳâṣ'ın Kavgası 343
2. ez-Zübeyr b. el-'Avvâm'ın Kılıç Çekmesi 344
3. Ṭuleyb b. 'Umeyr'in Kavgası 345

G. Açık Davetin Başlaması 346

H. Müslüman Olanlara Yapılan Bazı İşkencelerin Tarihleri 347
1. Bilâl'e Yapılan Bir İşkence 347
2. Zennîre'ye Yapılan Bir İşkence 348
3. 'Ammâr b. Yâsir'e Yapılan Bir İşkence 349

I. Hz. Peygamber'in Ebû Ṭâlib'e Şikayet Edilmesi ve Şı'b'a Giriş 350

İ. Habeşistan'a İlk Hicret ve Garânîḳ Hâdisesi 353
1. Habeşistan'a İlk Hicret 353
2. Garânîḳ Hâdisesi 355

J. Habeşistan'a İkinci Hicret 360

K. Ebû Bekr'in Dövülmesi ve Habeşistan'a Hicret Girişimi 365

L. Ḥamza ve 'Omer'in İslâm'a Girişleri 367
1. Ḥamza'nın İslâm'a Girişi 367
2. 'Omer b. el-Ḫaṭṭâb'ın İslâm'a Girişi 369

M. Muhasaranın Başlaması ve "Saḥîfe" Yazımı 376

N. Muhasaranın Bitişi 378

O. Ḫadîce ve Ebû Ṭâlib'in Vefatı 381

Ö. Tâif Seferi ve İnşiḳâḳu'l-Ḳamer Hadisesi 386
1. Tâif Seferi 386
2. İnşiḳâḳu'l-Ḳamer 389

P. Mi'râc ve İsrâ Hâdiseleri 396
1. Mi'râc Hâdisesi 396
2. İsrâ Hâdisesi 396

R. Medinelilerle İlk Temaslar ve 'Aḳabe Bi'atleri 398
1. Hz. Peygamber'in Süveyd b. eṣ-Ṣâmit ile Görüşmesi 398
2. Hz. Peygamber'in Mekke'ye Ḥılf İçin Gelen Medinelilerle Görüşmesi 398
3. Hz. Peygamber'in Bu'âṣ Harbinden Bir Yıl Sonra Mekke'ye Gelen Medinelilerle Görüşmesi 399
4. Birinci 'Aḳabe Bi'ati ve Muṣ'ab b. 'Umeyr'in Medine'ye Gönderilmesi 400
5. İkinci 'Aḳabe Bi'ati 400

SEKİZİNCİ BÖLÜM
MEDİNE DÖNEMİNDEKİ BAZI OLAYLARIN TARİHLENDİRİLMESİ

A. Mekke'den Medine'ye Hicret 403
1. İlk Muhâcirlerin Medine'ye Varış Tarihleri 403
2. Hz. Peygamber'in Hicreti 404
a) Mekke'den Çıkış ve Mağaradan Ayrılış 404
b) Ḳubâ' Köyü'ne Varış 406

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN
01 Haziran 2019

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Zübeyr b. Avvam
230365

01 Haziran 2019

۲۷۴-۲۷۸

بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ رسول جعفریان، *مقالات تاریخی*، دفتر ۲، قم ۱۳۷۶ ش؛ خطیب بغدادی؛ خویی؛ محمدبن احمد ذهبی، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، چاپ عمر عبدالسلام تدمری، حوادث و وفیات ۲۵۱ـ۲۶۰ه، بیروت ۱۴۱۵/۱۹۹۴؛ همو، *سیر اعلام‌النبلاء*، چاپ شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت ۱۴۰۱ـ۱۴۰۹/ ۱۹۸۱ـ۱۹۸۸؛ همو، *کتاب تذکرةالحفاظ*، [چاپ عبدالرحمان‌بن یحیی معلمی]، [بیروت ؟۱۳۷۴]؛ همو، *میزان الاعتدال فی نقدالرجال*، چاپ علی‌محمد بجاوی، قاهره ۱۹۶۳ـ۱۹۶۴، چاپ افست بیروت [بی‌تا.]؛ زبیربن بکّار، *الاخبار الموفقیات*، چاپ سامی مکی عانی، بغداد [۱۹۷۲]؛ همو، *جمهرة نسب قریش و اخبارها*، ج ۱، شرحه و حققه محمود محمد شاکر، قاهره ۱۳۸۱؛ همو، *المنتخب من کتاب ازواج النبی صلی‌الله‌علیه‌وسلم*، چاپ سکینه شهابی، بیروت ۱۴۰۳/ ۱۹۸۳؛ محمدبن عبدالرحمان سخاوی، *الاعلان بالتوبیخ لمن ذمّ‌التاریخ*، چاپ فرانتس روزنتال، بغداد ۱۳۸۲/۱۹۶۳؛ همو، *التحفة اللطیفة فی تاریخ المدنیة الشریفة*، بیروت ۱۴۱۴/ ۱۹۹۳؛ سمعانی؛ عبدالرحمان‌بن ابی‌بکر سیوطی، *الدرّالمنثور فی التفسیر بالمأثور*، چاپ نجدت نجیب، بیروت ۱۴۲۱/ ۲۰۰۱؛ محمدبن مکی شهید اول، *ذکری الشیعة فی احکام الشریعة*، قم ۱۴۱۹؛ محمدبن یوسف صالحی شامی، *سُبُل الهدی و الرشاد فی سیرة خیرالعباد*، ج ۱، چاپ مصطفی عبدالواحد، قاهره ۱۳۹۲/ ۱۹۷۲؛ صَفَدی؛ طبری، *تاریخ* (بیروت)؛ حسن‌بن یوسف علامه حلّی، *کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین*، چاپ حسین درگاهی، تهران ۱۴۱۱/ ۱۹۹۱؛ محمدبن احمد فاسی، *العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین*، چاپ محمد عبدالقادر احمد عطا، بیروت ۱۴۱۹/ ۱۹۹۸؛ مجلسی؛ محمدبن عمران مرزُبانی، *کتاب نورالقبس المختصر من المقتبس*، اختصار یوسف‌بن احمد یغموری، چاپ رودلف زلهایم، ویسبادن ۱۳۸۴/ ۱۹۶۴؛ همو، *معجم‌الشعراء*، چاپ عبدالستار احمد فراج، [قاهره] ۱۳۷۹/ ۱۹۶۰؛ یوسف‌بن عبدالرحمان مِزّی، *تهذیب‌الکمال فی اسماءالرجال*، چاپ بشّار عوّاد معروف، بیروت ۱۴۰۰ـ۱۴۱۳/۱۹۸۰ـ۱۹۹۲؛ مسعودی، *مروج* (بیروت)؛ محمدبن مفید، *المسائل السرویة*، چاپ صائب عبدالحمید، قم ۱۴۱۳؛ ناصر حسین هندی، *افحام‌الاعداء و الخصوم بتکذیب ماافتروه علی سیدتنا اُم‌کلثوم علیهاسلام الملک الحی القیوم*، ج ۱، تقدیم و تحقیق و تعلیق محمدهادی امینی، تهران: مکتبة نینوی الحدیثة، [بی‌تا.]؛ محمدبن خلف وکیع، *اخبار القضاة*، بیروت: عالم‌الکتب، [بی‌تا.]؛ یاقوت‌بن عبدالله یاقوت حَمَوی، *کتاب معجم‌البلدان*، چاپ فردیناند ووستنفلد، لایپزیگ ۱۸۶۶ـ۱۸۷۳، چاپ افست تهران ۱۹۶۵؛ همو، *معجم‌الادباء*، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۹۹۳؛ یوسف الیان سرکیس، *معجم‌المطبوعات العربیة و المعرّبة*، قاهره ۱۹۲۸/۱۳۴۶، چاپ افست قم ۱۴۱۰؛

Franz **Rosenthal**, *A history of Muslim historiography*, Leiden 1968.

/ محمدرضا ناجی /

زُبَیْربن عَوّامبن خُوَیلِدبن اسدبن عبدالعُزّیبن قُصَی، مشهور به قُرَشی اسدی، صحابی و پسرعمهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و از برپاکنندگان جنگ جَمَل*. با وجود روایات مشهور که نسب زبیر را به طایفهٔ بنواسد، از قبیلهٔ عرب عَدنانی قریش می‌رسانند، هَیثَم‌بن عَدی* (متوفی ۲۰۷)، که در کتابش *مَثالِب‌العرب* در تبار بعضی افراد و خاندانهای عرب طعنه زده، اصل وی را از قبطیان مصر دانسته و گفته‌است که خویلدبن اسد در سفرش به مصر، عوّام را از آنجا با خود (به مکه) برد و او را به فرزندخواندگی گرفت. حَسّان‌بن ثابت* نیز ضمن شعری در هجو آل‌زبیر، به همین نحو از آنان عیب‌جویی کرده‌است (← ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۱، ص ۶۷ـ۶۸). جدّ زبیر (خویلد) در دورهٔ جاهلی، و پدرش (عوّام) در جنگ فِجار* کشته شده بودند (ابن‌قتیبه، ۱۹۶۰، ص ۲۱۹) و ازاین‌رو، زبیر یتیم بود. نام صَفیّه، مادر زبیر، دختر عبدالمطلب‌بن هاشم، در میان زنان صحابی و راوی دیده می‌شود. او راکه تا زمان خلافت عمر (سال ۱۳) زنده بود، اولین زن مسلمانی دانسته‌اند که یکی از کفار راکشت (ابن‌حجر عسقلانی، ج ۸، ص ۲۱۳ـ۲۱۴). حضرت خدیجه علیهاالسلام عمهٔ زبیر بود (ابن‌قتیبه، همانجا) و اسماءبنت ابوبکر* (اَسماء ذات‌النطاقین) همسر زبیر و خواهر عایشه بود (ابن‌سعد، ج ۳، ص ۱۶۹؛ ابن‌عبدالبَرّ، ج ۴، ص ۱۷۸۱ـ۱۷۸۲).

کنیهٔ مشهور زبیر به واسطهٔ فرزندش عبدالله، ابوعبدالله بود (ابن‌سعد، ج ۳، ص ۱۰۰؛ ابن‌اثیر، ج ۲، ص ۲۵۰)؛ لیکن پیش از تولد عبدالله، مادر زبیر او را مانند دایی‌اش، زبیربن عبدالمطلب، ابوطاهر می‌خواند (ابن‌اثیر، همانجا). با توجه به آنکه سن زبیر را هنگام مرگ (سال ۳۶ هجری)، بنابر مشهور، ۶۶ یا ۶۷ سال گفته‌اند (← ابن‌عبدالبرّ، ج ۲، ص ۵۱۶؛ ابن‌اثیر، ج ۲، ص ۲۵۱ـ۲۵۲؛ بَلاذُری، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۴۲۱، بنا به روایتی سن او را ۶۴ سال؛ و ابن‌جوزی، ج ۱، ص ۳۴۷، طبق روایات دیگر، پنجاه و اندی یا شصت یا ۷۵ سال نوشته‌است، که درست نمی‌نماید)، زمان تولد او را باید حدود سال ۳۰ یا ۳۱ پیش از هجرت بدانیم. برخی سال تولد او را هم‌زمان با تولد حضرت علی علیه‌السلام دانسته‌اند (← ابن‌عبدالبرّ، ج ۲، ص ۵۱۱؛ ذهبی، ۱۴۰۱ـ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۴).

زبیر در نوجوانی با مردی در مکه زدوخورد کرد و دست آن مرد را شکست. روزی نیز دست پسربچه‌ای را شکست و صفیّه ابیاتی دربارهٔ جسارت و قدرت وی گفت. صفیّه گاهی زبیر را که یتیم بود، به‌شدت کتک می‌زد و می‌گفت او را می‌زنم که چابک بار آید و بتواند لشکرهای گران را فرماندهی کند (ابن‌سعد، ج ۳، ص ۱۰۱).

بنابه روایتی، زبیر اندکی پس از ابوبکر و به‌دستِ وی به رسول خدا ایمان آورد و چهارمین یا پنجمین نفری بود که اسلام

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN
Zübeyr b. Avvam 230365
01 Haziran 2019

طبقات‌الشافعیة، چاپ عبدالحفیظ منصور، بیروت ۲۰۰۴؛ ابن‌ندیم؛ ابواسحاق شیرازی، *طبقات‌الفقهاء*، چاپ خلیل میس، بیروت [بی‌تا.]؛ عبدالرحیم‌بن حسن اسنوی، *طبقات‌الشافعیة*، چاپ کمال یوسف حوت، بیروت ۱۴۰۷/ ۱۹۸۷؛ حاجی‌خلیفه؛ محمدبن فتوح حُمَیْدی، *جَذْوَةُ المقتبس فی تاریخ علماء الاندلس*، چاپ ابراهیم ابیاری، قاهره ۱۴۱۰/ ۱۹۸۹؛ خطیب بغدادی؛ عبدالکریم‌بن محمد رافعی قزوینی، *فتح العزیز: شرح الوجیز*، [بیروت]: دارالفکر، [بی‌تا.]؛ عبدالوهاب‌بن علی سُبکی، *طبقات‌الشافعیة الکبری*، چاپ محمود محمد طناحی و عبدالفتاح محمد حلو، [قاهره] ۱۹۶۴ـ[۱۹۷۶]؛ سمعانی؛ خلیل‌بن ایبک صَفَدی، *نکت الهمیان فی نکت العُمیان*، چاپ احمد زکی‌بک، مصر ۱۳۲۹/ ۱۹۱۱؛ احمدبن علی قَلْقَشَندی، *نهایة‌الارب فی معرفة انساب‌العرب*، بیروت ۱۴۰۵/ ۱۹۸۴؛ عمررضا کحّاله، *معجم‌المؤلفین*، دمشق ۱۹۵۷ـ۱۹۶۱، چاپ افست بیروت [بی‌تا.]؛ علی‌بن محمد ماوردی، *الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی رضی‌الله‌عنه و هو شرح مختصرالمزنی*، چاپ علی‌محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت ۱۴۱۴/ ۱۹۹۴؛ ابوبکربن هدایة‌الله مصنف، *طبقات‌الشافعیة*، چاپ عادل نویهض، بیروت ۱۹۷۱؛ یحیی‌بن شرف نَوَوی، *روضة‌الطالبین و عمدة‌المفتین*، چاپ عادل احمد عبدالموجود و علی‌محمد معوض، بیروت [بی‌تا.]؛ همو، *المجموع: شرح‌المُهَذَّب*، بیروت: دارالفکر، [بی‌تا.]؛

Carl Brockelmann, *Geschichte der arabischen Litteratur*, Leiden 1943-1949.

/ مریم حسینی‌آهق /

زُبَیریان (یا آل‌زُبَیر)، تیره یا خاندانی از بنواَسَدبن عبدالعُزّیٰبن قُصَیّ (از قبایل قریش از عرب عَدْنانی)، منسوب به زُبَیربن عَوّام. با وجود آنکه این انتساب در منابع مشهور است، در روایتی، هَیْثَم‌بن عَدی* (متوفی ۲۰۷) به نسب عربی این خاندان طعن زده و آنان را از قِبطیان مصر دانسته‌است (← زبیربن عوّام*). زبیربن عوّام، بزرگ این خاندان، هم در شکل‌گیری حوادث مهم تاریخ صدراسلام، به‌ویژه جنگ جمل* سهم داشت و هم بعداً همسران و فرزندانش (برای نام آنها ← ابن‌سعد، ج ۳، ص ۹۳ـ۹۴؛ مُصعَب‌بن عبدالله، ص ۲۳۶ـ۲۵۰؛ ابن‌قُتَیبه، ص ۲۲۱ـ۲۲۴) به روایت آن وقایع و احادیث پرداختند. نسل اول بعد از زبیربن عوّام نیز بر شکل‌گیری حوادث سیاسی و نظامی صدر اسلام اثر نهادند و پس از آن نیز با بهره‌گیری از شیوه‌های روایت، آنچه از زبیر و صحابهٔ دیگر فراگرفته بودند، به شاگردان و نسلهای بعد از خود منتقل کردند.

با توجه به نقش مهم این خاندان در سدهٔ نخست هجری، از چند دیدگاه می‌توان به فعالیتهای آنان نظر افکند:

الف) فعالیتهای سیاسی و نظامی (زبیربن عوّام و عبدالله‌بن زبیر). شخصیت نظامی زبیربن عوّام از شخصیت سیاسی‌اش بااهمیت‌تر بود. او در جنگهای زمان پیامبر حضور داشت و بعد از آن، در سال ۱۳ در نبرد یَرموک و در سال ۲۰ در فتح مصر شرکت کرد. جزو شورای شش‌نفره‌ای بود که عمربن خطّاب (حک: ۱۳ـ۲۳) هنگام مرگش برای انتخاب خلیفه تعیین کرد و در این شورا، زبیر به نفع حضرت علی علیه‌السلام کنار رفت. وقتی عثمان به خلافت رسید (حک: ۲۳ـ۳۵)، نارضایتی خود را نشان داد. زبیر بعد از کشته‌شدن عثمان، در سال ۳۵، با حضرت علی به عنوان خلیفه بیعت کرد، اما کمی بعد عهد بیعت را شکست و به‌همراه طَلْحةبن عُبَیدالله* و عایشه*، همسر پیامبر، و پسر خود عبدالله‌بن زبیر*، به بهانهٔ خون‌خواهی عثمان جنگ جَمَل را برضد حضرت علی به راه انداخت و در این جنگ که با پیروزی آن حضرت خاتمه یافت، کشته شد (← زبیربن عوام*؛ جمل*، جنگ).

عبدالله‌بن زبیر بیشتر به امور نظامی توجه و تمایل نشان می‌داد. در نبرد یرموک حضور داشت، سپس، در فتح افریقیه شرکت کرد و در افروختن آتش جنگ جمل سهم عمده‌ای داشت و در این جنگ، زخمی شد. در آشوب‌آفرینی معاویه در برابر حضرت علی سکوت اختیار کرد و بعد از ماجرای تحکیم* و شهادت حضرت علی به معاویه نزدیک شد و با او بیعت کرد. او که هوای خلافت و به‌دست‌گرفتن رهبری سیاسی جهان اسلام را درسر داشت، پس از مرگ معاویه (سال ۶۰) و جانشینی پسرش یزید، از بیعت با وی خودداری کرد و روانهٔ مکه شد. به دنبال شهادت امام‌حسین علیه‌السلام در کربلا* (عاشورای سال ۶۱)، عبدالله آشکارا یزید را خلع کرد و بعد از مرگ یزید (سال ۶۴) خود را خلیفه خواند. سپس، به یاری برادرش، مُصْعَب‌بن زبیر*، بخشهای وسیعی از سرزمینهای اسلامی را به فرمان خود درآورد. بااین‌حال، برپایی حکومت عبدالله‌بن زبیر در حجاز (مکه) با مخالفت برخی از اعضای دودمان زبیری روبه‌رو شد. سرانجام، مصعب در سال ۷۲ و عبدالله در سال ۷۳ در برابر سپاهیان عبدالملک‌بن مروان اموی، کشته شدند و دولت آنان پس از نه سال و اندی به‌پایان رسید (← بَلاذُری، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۸۸، ۳۴۲، ۴۲۸ـ۴۲۹، ۴۴۲ـ۴۴۵؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۶۳ـ۲۶۴؛ ابن‌کثیر، ج ۸، ص ۳۴۰؛ نیز ← ووستنفلد[1]، ص ۵۴۰، ۵۶۱ـ۶۰۹؛ عبدالله‌بن زبیر*). در این حملات، عده‌ای از دودمان زبیریان که با عبدالله‌بن زبیر همراه بودند، کشته شدند (← بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۱۳۴، ج ۹، ص ۴۴۰، ۴۴۶؛ ابن‌حزم، جمهرة، ص ۱۲۲، ۱۲۴). به‌این‌ترتیب،

1. Wüstenfeld

İSAM DN. 268567

11. 'Abdullâh b. Cahş ..... Abdullah b. Cahş (010126) 284
12. 'Alî b. Ebî Ṭâlib ..... Ali (011422) 286
13. Sa'd b. Ebî Vakkâs ..... Sa'd b. Ebu Vakkas (180069) 287
14. ez-Zübeyr b. el-'Avvâm ..... Zübeyr b. Avvam (230365) 288
15. Mıstaḥ b. Üsâse ..... Mistah b. Usase (131470) 289

İ. Hz. Peygamber'in Bazı Eşleriyle Evlenme Tarihleri 290
1. Ḫadîce binti Ḫuveylid ..... Hatice (080849) 290
2. Sevde binti Zem'â ..... Sevde (180891) 292
3. 'Â'işe binti Ebî Bekr ..... Aişe (011134) 293

J. Hz. Peygamber'in Çocuklarının Doğum-Vefat Tarihleri 302
1. Hz. Peygamber'in Çocuklarının Sayısı ve İsimleri 302
2. el-Ḳâsım ..... Kasım (110503) 305
3. eṭ-Ṭâhir, eṭ-Ṭayyib veya 'Abdullâh 305
4. Zeyneb ..... Zeyneb (230225) 306
5. Rukiyye ..... Rukiyye (170472) 306
6. Ummu Külsûm ..... Ümmü Külsüm (200267) 307
7. Fâṭıma ..... Fatıma (060098) 307
8. Hz. Peygamber ve Ḫadîce'nin Yaşlarına Göre Çocuklarının Doğum Sıralaması 309

K. Kıtlık Senesi 310

L. Kâbe'nin İnşâsı ..... Kabe (110028) 312
1. İnşanın Sebebi 312
2. İnşânın Tarihi 312
3. Gemi Meselesi 314
4. Yılan Meselesi 314
5. Kâbe'nin İnşası Sürecinde Güneş'in Tutulması 315
6. Taş Taşınması 316
7. Yıkım İşlemi 316
8. Kâbe'nin İnşâ Süreci 316
9. Ḥaceru'l-Esved'in Yerleştirilmesi ..... Hacerülesved (080070) 316

YEDİNCİ BÖLÜM
Bİ'SET İLE MEDİNE'YE HİCRET ARASINDAKİ BAZI OLAYLARIN TARİHLENDİRİLMESİ

A. İlk Vahiy 321

B. Peygamberlik Haberinin Yayılması 324
1. Ebû Bekr'in Haberi ..... Ebu Bekir 050100 324
2. 'Afîf el-Kindî'nin Haberi 326
3. el-'Abbâs'ın Haberi ..... Abdullah b. Abbas (010034) 327
4. 'Abdurraḥmân b. 'Avf'ın Haberi ..... Abdurrahman b. Avf (010292) 329

C. İslâm'a İlk Girişler 330
1. Sa'd b. Ebî Vakkâs'ın İslâm'a Girişi ..... Sa'd b. Ebu Vakkas (180069) 330
2. Ḫâlid b. Sa'îd b. El-Âṣ'ın İslâm'a Girişi ..... Halid b. Said (080309) 332
3. Ḥabbâb b. el-Eret'in İslâm'a Girişi ..... Habbab b. Eret (080097) 333
4. ez-Zübeyr b. el-'Avvâm'ın İslâm'a Girişi ..... Zübeyr b. Avvam (230365) 333
5. 'Oṡmân b. 'Affân ile Ṭalḥa b. 'Ubeydullâh'ın İslâm'a Girişi ..... Osman (150060) 334
6. 'Oṡmân b. Maẓ'ûn ve Arkadaşlarının İslâm'a Girişi ..... Osman b. Mazun (150032) 336
7. 'Âmir b. Ebî Vakkâs'ın İslâm'a Girişi ..... Amir b. Ebu Vakkas (011662) 337

01 Haziran 2019

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

11. 'Abdullâh b. Cahş ..... Abdullah b. Cahş (010126) 284
12. 'Alî b. Ebî Ṭâlib ..... Ali (011422) 286
13. Sa'd b. Ebî Vakkâs ..... Sa'd b. Ebu Vakkas (180069) 287
14. ez-Zübeyr b. el-'Avvâm ..... Zübeyr b. Avvam (230365) 288
15. Mıstaḥ b. Üsâse ..... Mistah b. Üsase (131470) 289

İ. Hz. Peygamber'in Bazı Eşleriyle Evlenme Tarihleri 290
1. Ḫadîce binti Ḫuveylid ..... Hatice (080849) 290
2. Sevde binti Zem'â ..... Sevde (180891) 292
3. 'Â'işe binti Ebî Bekr ..... Aişe (011134) 293

J. Hz. Peygamber'in Çocuklarının Doğum-Vefat Tarihleri 302
1. Hz. Peygamber'in Çocuklarının Sayısı ve İsimleri 302
2. el-Kâsım ..... Kasım (110503) 305
3. eṭ-Ṭâhir, eṭ-Ṭayyib veya 'Abdullâh 305
4. Zeyneb ..... Zeyneb (230225) 306
5. Rukiyye ..... Rukiyye (170472) 306
6. Ummu Külsûm ..... Ümmü Külsüm (200267) 307
7. Fâṭıma ..... Fatıma (060098) 307
8. Hz. Peygamber ve Ḫadîce'nin Yaşlarına Göre Çocuklarının Doğum Sıralaması 309

K. Kıtlık Senesi 310

L. Kâbe'nin İnşâsı ..... Kabe (110028) 312
1. İnşanın Sebebi 312
2. İnşânın Tarihi 312
3. Gemi Meselesi 314
4. Yılan Meselesi 314
5. Kâbe'nin İnşası Sürecinde Güneş'in Tutulması 315
6. Taş Taşınması 316
7. Yıkım İşlemi 316
8. Kâbe'nin İnşâ Süreci 316
9. Ḫaceru'l-Esved'in Yerleştirilmesi ..... Hacerülesved (080070) 316

YEDİNCİ BÖLÜM
Bİ'SET İLE MEDİNE'YE HİCRET ARASINDAKİ BAZI OLAYLARIN TARİHLENDİRİLMESİ

A. İlk Vahiy 321

B. Peygamberlik Haberinin Yayılması 324
1. Ebû Bekr'in Haberi ..... Ebu Bekir 050100 324
2. 'Affîf el-Kindî'nin Haberi 326
3. el-'Abbâs'ın Haberi ..... Abdullah b. Abbas (010034) 327
4. 'Abdurraḥmân b. 'Avf'ın Haberi ..... Abdurrahman b. Avf (010292) 329

C. İslâm'a İlk Girişler 330
1. Sa'd b. Ebî Vakkâs'ın İslâm'a Girişi ..... Sa'd b. Ebu Vakkas (180069) 330
2. Ḫâlid b. Sa'îd b. El-Âṣ'ın İslâm'a Girişi ..... Halid b. Said (050309) 332
3. Ḫabbâb b. el-Eret'in İslâm'a Girişi ..... Habbab b. Eret (080097) 333
4. ez-Zübeyr b. el-'Avvâm'ın İslâm'a Girişi ..... Zübeyr b. Avvam (230365) 333
5. 'Oṣmân b. 'Affân ile Ṭalḥa b. 'Ubeydullâh'ın İslâm'a Girişi ..... Osman (150060) 334
6. 'Oṣmân b. Maẓ'ûn ve Arkadaşlarının İslâm'a Girişi ..... Osman b. Mazun (150032) 336
7. 'Âmir b. Ebî Vakkâs'ın İslâm'a Girişi ..... Amir b. Ebu Vakkas (011662) 337

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

01 Haziran 2019

07 OCAK 1994

797. **Ḥabīb, Ǧamīl Ibrāhīm**: Sīrat az-Zubair Ibn-al-ʿAuwām wa-mawāqifuhū min maʿārik at-taḥrīr waʾl-futūḥāt al-ʿarabīya al-islāmīya / Gamīl Ibrāhīm Ḥabīb. - Ṭabʿa 1. - Bairūt : Ad-Dār al-ʿArabīya liʾl-Mausūʿāt, 1985. - 192 S.
Inhalt: Zum Leben und Wirken des Prophetengenossen az-Zubair Ibn-al-ʿAuwām (594 - 656). - In arab. Schrift, arab.
26 A 9366

230365 ZÜBEYR b. AVVAM

3406 YAZIGI, Maya. Writing the biography of az-Zubayr ibn al-'Awwām: explaining some controversial accounts in the Sunnī *Ṭabaqāt* literature. *Jusūr*, 12 (1996) pp.1-17

Zübeyr b. Avvām

12 KASIM 1993

- HÜSEYİN
- ZÜBEYR b. AVVAM
- YAHYA

90-964820

Sharīf, Hindī Muḥammad.
(Ruʾūs al-maqṭūʿah)
الرؤوس المقطوعة : يحيى بن زكريا، الزبير بن العوام، الحسين بن علي / تأليف هندي محمد الشريف. -- [1989] : [Jordan] : هـ.م. الشريف، [1989]
131 p. ; 24 cm.
Includes bibliographical references (p. 129).

2.5JD
John, the Baptist, Saint
Zubayr ibn al-'Awwām, d. 656 or 7
Ḥusayn ibn 'Alī, d. 680
Jor-Islamic Hist. & Post. 1800-Hist. & Pol.

Zübeyr b. el-Avvam

Hasan Ibrahim Hasan
Ziamaü'l-İslam S. 139-145

19 EKİM 1993

ZÜBEYR b. AVVAM

● سيرة الزبير بن العوام ومواقفه من معارك التحرير والفتوحات العربية الاسلامية / جميل ابراهيم حبيب . — ط 1 . — بيروت : الدار العربية للموسوعات ، 1985 . — 192 ص ؛ 24 سم . — ببليوجرافية : ص 183 — 189 . — $ 5 .

Zübeyr (RA)

B. TOPALOĞLU

Watt, İslam düş. teş. deuri, 15,50
70, 83, 94, 98

230369 ZÜBEYR b. AVVAM

ARAŞTIRMACI	: İrfan Aycan
TEZİN ADI	: Hicri İlk Üç Asırda Zübeyri Ailesi
TÜRÜ	: Master
DANIŞMAN	: Mustafa Fayda
ÜNİVERSİTE ve BÖLÜM	: Ank. Ü-İlahiyat Fak.
BİTİŞ TARİHİ	: 08 OCAK 1996
BASILDIĞI YER-TARİH veya BULUNDUĞU KÜTÜPHANE	:

Zübeyr b. Avvam

İbn Hazm, el-Fasl, C.IV, s. 278

297.47
HAZ.F

cf. Zubeyr b. el-Avvām
سيرة الزبير بن العوام

Gl. Darlın

Seyyid Ahmed Muteveli
Mecelletü'l-Ezher, VIII, 631-639

Zübeyr b. Avvam
الزبير بن العوام

المغني
20/1, 108, 121, 126, 152, 280, 282, 283, 287, 328, 335, 337, 338, 340, 353, 20/2, 46, 73, 76, 77, 79, 80, 81, 82, 84, 85, 86, 87, 88, 89, 91, 93, 94, 115, 123, 147, 268, 269.

297.47
ICA0.m

Talha b. Ubeydullah
190236
Zubeyr b. el-Avvam
2303.65

- لم تخرج السيدة عائشة رضي الله عنها لقتال، وإنما ظنت أن في خروجها مصلحة للمسلمين، كما تعلق الناس بها، وشكوا إليها ما صاروا إليه من عظيم الفتنة وتهارج الناس، ورجوا بركتها في الإصلاح، وطمعوا في الاستحياء منها إذا وقفت للخلق.

- خرجت رضي الله عنها ملتزمة، وكيف لا تلتزم وهي أم المؤمنين؟!! فخرجت مع محرم لها (عبد الله بن الزبير ابن أختها) فهل في هذا تبرج؟!! ثم إنها رجعت في ثلاثين أو أربعين امرأة قرنهن بها الإمام علي ﵁ أوصلوها إلى المدينة برة تقية مجتهدة مثابة فيما اجتهدت بإذن الله.

- لقد كانت السيدة عائشة أم المؤمنين رضي الله عنها على علاقة طيبة بعلي أمير المؤمنين ﵁، وكانت تروي فضائله دائمًا، ولم يحدث قط أنها أبطلت خلافته ولا طعنت عليه ولا ذكرت فيه جرحًا ولا بايعت غيره ولا خرجت لقتاله، ولا استخدمت أحاديث ضده.

- إن ما حدث من ثناء الإمام علي بن أبي طالب على أم المؤمنين عائشة رضي الله عنهما وكذلك ما حدث من ثنائها عليه ﵁، وإرجاعها إلى مأمنها سالمة مصونة من قِبَلِه ليؤكد على فساد هذه الشبهة وجهل قائليها.

الشبهة السادسة والثلاثون

دعوى أن مشاركة طلحة والزبير رضي الله عنهما في الفتنة تطعن في عدالتهما(*)

مضمون الشبهة:

يُجرِّح بعض المغرضين طلحة والزبير رضي الله عنهما بدعوى أنهما تورطا في الفتنة التي هبت عاصفتها على المسلمين بعد مقتل عثمان ﵁، ويتساءلون: كيف نُعَدِّلهما وقد فعلا ما يوجب النار، بل الخلود فيها وهو استباحة قتل المسلم، ثم كيف يكونان مبشَّرَيْن بالجنة أو مقبولي الرواية؟!

وجوه إبطال الشبهة:

١) إن الناظر في سيرة طلحة والزبير رضي الله عنهما ليجدهما جردا من نفسيهما درعًا واقيًا، وحصنًا منيعًا للإسلام ونبيه ﷺ، وقد عدلهما الله في كتابه والرسول ﷺ في سنته، بالإضافة إلى ما تميزا به من مناقب؛ فكيف يُظن بمثلهما استباحة دماء المسلمين؟!

٢) إن مسألة الاقتصاص من قتلة عثمان ﵁ مسألة تخضع للاجتهاد، والصحابة الكرام أهل له، فرأى علي بن أبي طالب ﵁ التمهل ريثما تستقر له الأمور، وليعلم من هم القتلة فعلا، لكي لا يُظْلم بريء ولا يُفلت جانٍ، ورأى طلحة والزبير رضي الله عنهما التعجيل بالاقتصاص لتجنب الفتنة وكسر شوكة الثوار، فَوُفِّق الإمام علي ﵁ وكان الأقرب للحكمة والصواب، وجانب طلحة والزبير رضي الله عنهما الأَوْلى في اجتهادهما، وعلى كلٍّ فالجميع مأجور، وهذا

(*) هذه مشكلاتهم، د. محمد سعيد رمضان البوطي، دار الفكر، دمشق، ط٧، ١٤٢٧هـ/ ٢٠٠٦م.

موسوعة بيان الإسلام الرد على الافتراءات والشبهات، القسم الثالث: السنة النبوية، المجلد الثاني (ج٣، ج٤)، إشراف عام: داليا محمد إبراهيم، الجيزة 2012، ISAM 204813

230365

ZÜBEYR b. AVVÂM

1 MUSTAFA SAMİ TOK, Hz. Peygamber Dönemi sonrası siyasi olaylarında- Talha b. Ubeydullah ve Zübeyr b. Avvam, Cumhuriyet Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2009

Zubeyr b. Avvam

Nebhani, Huccetullah, 479

26 KASIM 1991

ZÜBEYR b. AVVÂM

'Aṭīyah, 'Aṭīyah 'Abd al-Raḥīm.
al-Zubayr ibn al-'Awwām / li-'Aṭīyah 'Abd al-Raḥīm 'Aṭīyah. — Cairo : al-Majlis al-A'lá lil-Shu'ūn al-Islāmīyah, 1977.
79 p. ; 20 cm. — (Kutub Islāmīyah ; 196)
Arabic
I. Title.

CtY nef 9-15811

Zübeyr b. Avvâm

Beyhaki, Delâil, c.7, indeks, s. 150

"ZÜBEYR B. el-AVVÂM"

922.9762
MUH.A

M. el-Emîn, "A'yânu'ş-Şia," I, 456-457

ez. Zübeyr b. el-Avvâm (r.a)

N. es-Sâbûni, el-Bidâye, s. 59

Zübeyrî poşetine
konulsun

Zübeyr b. el-Avvam

Tahricu'd-Delalati's-Sem'iyye,
555-557.

D. Baş: 3227

ZÜBEYR (R.A) b. Avvâm İTM

— Faşiletleri

Nevevi, Şerhu'l-Müslim, c.15 s.188

Zubeyr b. Avvâm

Makdisi, el-Bed 5/83

Wensinck, Arent Jan
1250. ———. 'Al-Zubair b. al-Awwam'. In: SEI; pp. 660–1.
A short biography of Al-Zubair ibn al-Awwam ibn Khuwailid ibn Asad ibn Abd al-Uzza ibn Kusaiy ibn Kilab Abu Abd Allah, a cousin of the Prophet and a nephew of Seyyedah Khadija, and one of the earliest persons to embrace Islam.

ZÜBEYR b. AVVAM

الزُّبير

29 OCAK 1995

-Zübeyr b. Avvam

الهادي الى موضوعات نهج البلاغة ٢٨٤
273

Zübeyr b. Akvâm

Hemedânî, Tesbit, I, 18, 21, 278 vd.

ZÜBEYR (R.A)

- siyasi tavrı

الزبير

ابن عنبسة

١/ ٤٧-

754

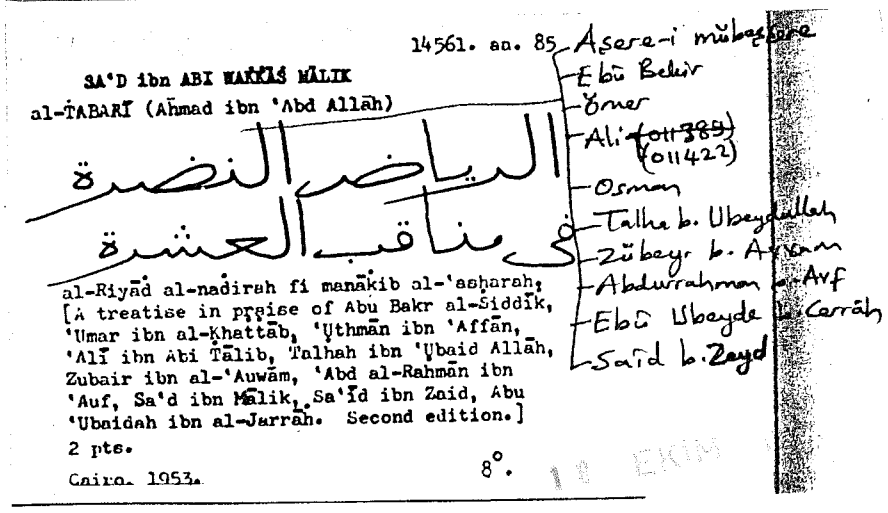

Zübeyr b. Avvam

الزبير بن العوام : الثروة والثورة ، د. عبد العظيم الديب . البحرين : مكتبة ابن تيمية ، ١٤٠٦ هـ-١٩٨٦م .

646. Wensinck, Arent Jan. 'Al-Zubair b. al-Awwam'. In: SEI; pp. 660–1.
A short biography of Al-Zubair ibn al-Awwam ibn Khuwailid ibn Asad ibn Abd al-Uzza ibn Kusaiy ibn Kilab Abu Abd Allah, a cousin of the Prophet and a nephew of Seyyedah Khadija, and one of the earliest persons to embrace Islam.

ZÜBEYR b. AVVÂM

647. ———. 'Rukaiya'. In: SEI; pp. 476–7.
A short biography of Seyyedah Ruqaiyya, one of the daughters of the Prophet, who was married to Seyyedna Uthman ibn Affan (d. 35/656).

RUKIYYE

Zübeyr b. el-Avvâm

Zübeyr b. el-Avvâm (hk. da)

Hakimi el-Mishaca II-113

292.45
HAC.m

Fadl b. Şâzan
el-Izah, 54

28 MAYIS 1993

4484. 292.9

ZÜBEYR B. AVVÂM

İTM

ZÜBEYR B. AVVAM

(292.9.KUR.m)

El-Me'ârif (1. Kut.) 219 vd.

Zübeyr b. Avvâm
Sahabî (öl. 36/656)

-el-Aynî, "Umdetu'l-Kârî ...," C. XIII, S. 296-299

سيرة الزبير بن العوام ومواقفه من معارك التحرير والفتوحات العربية الاسلامية .

تأليف ، جميل ابراهيم حبيب ، بغداد ١٩٨٥ ، ١٩٢ ص .

27 TEMMUZ 1992

1984 Yılı

Yüksek Lisans

31 ARALIK 1995

Aycan, İrfan: "Hicri İlk Üç Asırda Zübeyrî Ailesinin Siyasi ve İlmî Hayattaki Yeri", Yüksek lisans tezi (Danışman: Doç. Dr. Mustafa FAYDA), 138 s.

.(1.11/

Dirî tarihi/
Ahmet Yücel

ZÜBEYR b. AVVÂM
(354-367)

دكتور
أحمد ابراهيم الشريف

دور الحجاز في الحياة السياسية العامة

في القرنين الأول والثاني للهجرة

6798
951.L
SFR.D

ملتزم الطبع والنشر
دار الفكر العربي

ينظرون اليه وقد علموا أن معاوية معترض ، فلما دخل على الخليفة سلمه الطومار ، فلما فضه لم يجد فيه شيئا ، فسأل العبسى : « ما وراءك » . فاستأمن الرجل ثم أنبأ عليا بأنه ترك أهل الشام وقد صمموا على الثأر وانهم نصبوا قميص عثمان وهم يبكون حوله ، ثم أنبأه بأنهم يتهمونه بقتل عثمان ولا يرضون الا بأن يقتادوا منه . ثم خرج العبسى ولم يكديفلت من الثائرين الساخطين على معاوية (٢١) .

ولم يصبح لعلى سبيل غير الحرب بعد هذا التحدى الصريح من معاوية ، فأخذ يستعد للخروج لقتاله ، فأخرج لواءه وأمر الناس بالتجهز ، وكتب الى قيس بن سعد ليخرج بجند مصر الى الشام ، وكتب الى عثمان ابن حنيف والى أبى موسى ليخرجا اليه من العراق ، وكانت خطة حازمة لو نفذت لحصرت معاوية بين ثلاث قوات ولاضطرته الى تفريق قواته بين ثلاث جبهات . ولكنها لم تنفذ لأن أنباء وصلت الى الخليفة من مكة فقلبت خطته رأسا على عقب ، وجعلته بدل أن يتجه الى الشام اتجه الى العراق.

خروج طلحه والزبير على على

كان طلحة والزبير حين بايعا عليا يقدران أنه لابد محتاج اليهما أشد الاحتياج ، فان لأحدهما أنصارا فى الكوفة وللآخر أنصارا فى البصرة ، وقد شارك أهل الكوفة والبصرة فى الثورة مشاركة خطيرة ، وكان الناس يظنون انهم شاركوا فيها عن تحريض أو على أقل تقدير عن رضاء من طلحة والزبير . وقد عرضا على على معاونتهما له بقوات الكوفة والبصرة لطرد المحتلين عن المدينة حينتأبوا على الخروج ، فقد قال طلحة : « دعنى فلآت البصرة فلا يفجؤك الا وأنا فى خيل » ، وقال الزبير :«دعنى آت الكوفة فلا يفجؤك الا وانا فى خيل » ولكن عليا استنظرهما حتى يرى رأيه (٢٢) . فلما أبطأ عليهما جاءاه فقالا : « أندرى على ما بايعناك يا أمير المؤمنين ؟ »فقال : « نعم ، على السمع والطاعة ، وعلى ما بايعتم

(٢١) ابن الأثير : ١٠٤/٣ .
(٢٢) الطبري : ٤٣٨/٤ . وانظر ابن كثير : ٢٢٢/٧ — ٢٢٨ .

عليه أبا بكر وعمر وعثمان » . فقالا : « لا ، ولكنا بايعناك على أنا شريكاك فى الأمر » . ولما أنكر عليهما على الا ان يكونا شريكين فى القول والاستقامة والعون على العجز والأولاد ، استبان لهما انه غير موليهما شيئا ، فأظهر الشكاة ، وتكلم الزبير فى ملأ من قريش ، فقال : « هذا جزاؤنا من على ، قمنا له فى أمر عثمان ، حتى أثبتنا عليه الذنب ، وسببنا له القتل ، وهو جالس فى بيته وكفى الأمر . فلما نال بنا ما أراد ، جعل دوننا غيرنا » . فقال طلحة : « ما اللوم الا أنا كنا ثلاثة من اهل الشورى ، كرهه أحدنا وبايعناه ، وأعطيناه ما فى أيدينا ، ومنعنا ما فى يده ، فأصبحنا وقد اخطأنا » (٢٣) . فالرجلان اذن كانا يفكران فى أن عليا سوف يعرف لهما مكانتهما وقوتهما ، وسلطانهما على حزبيهما فى البصرة ، والكوفة وسيشركهما فى أمره ، وستكون الخلافة ثلاثية يتقاسمها هؤلاء الثلاثة من أصحاب الشورى : لعلى الحجاز ومصر وما وراءهما من بلاد العرب وبلاد الشمال الأفريقى ، ولاحدهما البصرة وما وراءها ، وللآخر الكوفة وما وراءها ، وكانا يظنان أن هذه الخلافة الثلاثية ان استقامت كان أمر الشام يسيرا (٢٤) . ولكن عليا كان يشك فى نوايا الرجلين ويخشى طموحهما ، فقد باحث ابن عباس حين بلغته مقالة طلحة والزبير ، وحين رأى ابن عباس أن يسترضيهما الخليفة بأن يولى أحدهما على البصرة والآخر على الكوفة ، قال على : « ويحك ، ان العراقين بهما الرجال والأموال ،ومتى تملكا رقاب الناس يستميلا السفيه بالطمع ، ويضربا الضعيف بالبلاء ، ويقويا على القوى بالسلطان . ولو كنت مستعملا أحدا لضره ونفعه لاستعملت معاوية على الشام . ولولا ما ظهر من حرصهما على الولاية لكان لى فيهما رأى » (٢٥) . ومن أجل هذا أبى على عليهما ولاية هذين المصرين وأراد أن يسير فيهما سيرة عمر ، فيحبسهما معه فى المدينة كما كان عمر يحبس أعلام المهاجرين من قبل ، وهنالك عرف الرجلان أن ظنهما

(٢٣) ابن قتيبة : ١/ ٥١ .
(٢٤) طه حسين : ٢٢/٢ .
(٢٥) ابن قتيبة : ٥٢/١ .

نهاية الأرب
في
فنون الأدب

Zubeyr b. el-Avvam (89-100)

تأليف

شهاب الدين أحمد بن عبد الوهاب النويري
٦٧٧ - ٧٣٣ هـ

Türkiye Diyanet Vakfı
6499-20
جامعة

الجزء العشرون

تحقيق
محمد رفعت فتح الله
ابراهيم مصطفى

Rio de Janeiro
N. 62

الهيئة المصرية العامة للكتاب
١٩٧٥

تبارك وتعالى فيهم : ﴿ ونَزَعنا ما فى صُدُورِهم مِنْ غِلٍّ إخْوانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقابِلِين ﴾ (١) .

وروى أبو عمر بسنده إلَى قَيْس بن أبى حازم قال : رمَى مَرْوانُ طَلْحةَ يَومَ الجمل بسهم فى رُكبته ، فجعل الدّم يَسيل ، فإذا أمسكوه استمسك وإذا تركوه سال ، فقال : دَعُوه فإنّما هو سهم أرسله الله . قال فمات ، فدفَنّاه عنَى شاطىء الكَلاَّء (٢) ، فرأى بعضُ أهله أنه أتاه فى المنام فقال : « ألاَ تَريحوننى من هذا الماء فإنى قد غرقتُ! » ثلاثَ مِرَار يقولها ، قال : فَنبَشوه فإذا هو أخضر كأنّه السِّلْق ، فنَزَحوا (٣) عنه الماءَ ، فاستخرجوه ، فإذا ما يَلِى الأَرضَ مِن لحيته ووجهه قد أكلتْه الأَرض ، فاشترَوْا له دارًا من دُور آل أبى بكر بعشرة آلاف ، فدفنوه فيها .

وروى أيضا بسنده إلَى علىّ بن زيد عن أبيه أن رجلا رأى فيما يَرَى النائمُ أنَّ طَلحة بن عُبَيد الله قال : « حَوِّلُونى عن قبرى فقد آذانى الماء ! » ثم رآه ، حتّى رآه ثلاث ليال ، فأَتَى ابْنَ عبّاس فأخبره ، فنظروا فإذا شِقُّه الذى يَلِى الارضَ فى الماء ، فحوّلوه ، قال : فكأنى أنظر إلَى الكافُور فى (٤) عينَيْه لم يتغيَّر إلاَّ عَقِيصته فإنها مالت عن موضعها .

وقتل رضى الله عنه وهو ابنُ ستّين سنة ، وقيل : ابن اثنتين وستّين ، وذلك يَوم الجَمل ، لعَشْرٍ خَلَوْنَ من جُمادَى الآخِرةِ سنة ستٍّ وثلاثين .

(١) الآية ٤٧ من سورة الحجر .
(٢) الكلاء : مرفأ السفن بساحل النهر ، وأطلق على موضع بالبصرة .
(٣) كذا جاء فى النسخة (ن) ، وفى (ك) : « فنزعوا » .
(٤) كذا جاء فى المخطوطة ، وجاء فى الاستيعاب ج ٢ ص ٢٤ : « بين عينيه »

وكان رضى الله عنه رجلا آدَمَ ، حَسَن الوجه ، كثيرَ الشَّعر ، ليس بالجَعْد القطط (١) [ولا بالسَّبْط] (٢) وكان لايغيّر شعره (٣) .

وسمع علىّ رجلا يُنشد :

فتىً كان يُدْنيه الغِنَى من صديقه إذا ما هو اسْتغْنَى ، ويُبْعِدُهُ الفَقْرُ

فقال : ذاك أبو محمد طَلحةُ بن عُبَيد الله .

وحكى الزُّبَيْر (٤) أنّه سمع سُفْيان بن عُيَيْنة يقول : كانت غَلّةُ طَلحة بن عُبَيد الله أَلْفًا وافيًا كلَّ يَوم ! (قال : والوافى وزنه وزن الدِّينار ، وعلَى ذلك وزن دراهم فارس التى تُعرف بالبغلية) .

ذكر مقتل الزبير بن العوام

رضى الله عنه وشىء من أخباره

هو أبو عبد الله الزُّبَيْر بن العَوَّام بن خُوَيْلد بن أَسَد بن عبد العُزَّى بن قُصَىّ ، القرشى الأَسَدى .

وأمُّه صفيّة بنت عبد المُطَّلب ، عَمَّةُ رسول الله صلى الله عليه وسلم .

وهو أَحَدُ العشرة المشهودِ لهم بالجنة ، وأَحدُ الستَّة أصحاب الشُّورَى ، وهو قديم الإسلام ، واختُلف فى سنِّه يَوم أسلم ، فقيل

(١) القطط : الكثير الجعودة .
(٢) كذا ثبت فى النسخة (ن) كالاستيعاب ج ٢ ص ٢٢٥ ، وسقط من النسخة (ك) والسبط من الشعر : المنبسط المسترسل ، والمراد أن شعر طلحة : كان وسطا بين الجعد والمسترسل (وهما ضدان) .
(٣) كانوا يكرهون تغيير الشيب بنتف شعره ، وأما تغيير لونه ففير مكروه فمن ذوى الشيب من يقبل عليه ، ومنهم من لا يقبل . . . . وقد ذكر الرياض النضرة ج ٢ ص ٢٦٢ أن الزبير بن العوام « كان لا يغير شيبه » كذلك .
(٤) هو الزبير بن بكار فى الرياض النضرة ج ٢ ص ٢٥٨ .

...Sm / ...shingpur

COMPANIONS OF THE HOLY PROPHET (S.A.W.).

PART I

RAFI AHMAD FIDAI

Zuberya B. Awam-16-28

Title ...
...
...
7528-1
922.92
F.D.C

INTERNATIONAL ISLAMIC PUBLISHERS
K-26 E, Saket, New Delhi-17

milk but often with water. His garments would be always coarse and full of patches. Once someone asked him, "O father of Usama, why do you put on such a coarse dress?"

"What's of dress? Our greatness lies in Islam only," replied Zayd.

He was a great and successful general and a far-sighted commander but in battlefields was never distinguished to an ordinary soldier. He did never try to show himself as the commander and others as his subordinates. While in common journeys or in army encampments, he would never have a tent for himslef. Only a sheet tied with trees or bushes would be sufficient for him to take rest. He would bring water not only for himself but also for his companions. One day, while he was carrying a big skin bag full of water on his back, one of his companions saw and wanted to take the bag of water from him and carry it to its destination, but Hazrat Zayd said:

> "God bless you, I will do it myself so that no pride of leadership gets room in my mind." He would also advise others to lead simple life and work hard. In his house there was nothing but a few utensils for domestic use and a few rough mats to lie on. He would say, "What is the use to furnish a house from where man is to go away one day?"

Hazrat Zayd was very fond of prayers, specially at night. He would sleep only for a while at night and would pass a major part of his night in praying to Allah. He would perform the Tahajjud prayer (Prayer after midnight) without fail and would awake his other companions too for the prayer.

There was great delight for him in hospitality. He would entertain his guests generously and happily. He regarded it his duty to serve the poor, orphans, widows and needy persons. These were the virtues and characteristics of Hazrat Zayd bin Harisa (R.A.A.) that made him so dear to the Messenger of Allah (S.A.W.)

2

HAZRAT ABU ABDULLAH ZUBAIR BIN AL AWAM (R.A.A.)

Hazrat Zubair (Razi Allah Anhu) was the son of Al Awam and the father of Hazrat Abdullah. Hazrat Zubair is one of the most respectable and famous personalities of Islam. The Prophet (S.A.W.) himself had decorated him with the title of 'Hawari-e-Rasul" or the 'Disciple of the Messenger of Allah'. He was one of those ten companions of the Holy Prophet about whom the Prophet (S.A.W.) had predicted of their entry into Paradise. His eminence may be judged by the fact that Hazrat Umar Farooq (R.A.A.) would honourably address him with the words as "One of the pillars of the Faith." Hazrat Zubair had more than one relationship with the Holy Prophet (S.A W.) as follows:

1. He was the son of Hazrat Safiah (R.A.A.), the daughter of Hazrat Abdul Muttalib and the aunt of the Holy Prophet. Thus he was the cousin of the Holy Prophet (S.A.W.).

2. Hazrat Khadijatul Kubra (R.A.A.), the mother of the believers was the aunt of Hazrat Zubair, and according to this the Holy Prophet was his uncle.

3. Hazrat Asma, the daughter of Hazrat Abu Bakr Siddiq (R.A.A) and the elder sister of Hazrat Aisha Siddiqah R.A.A), the mother of the faithful was married to Hazrat Zubair and thus he was a brother-in-law of the Holy Prophet (S.A.W.).

4. Qusai, the son of Kalab, was the common ancestor of both the Holy Prophet and Hazrat Zubair, and in this way Hazrat Zubair had also ancestral relation with the Holy Prophet (S A.W.).

AL-HADIS

An English Translation & Commentary

OF

Mishkat-ul-Masabih

(Containing sayings, doings and teachings of the Holy Prophet and events before and after Resurrection)

With

Suitable arrangements into Chapters and Sections

By

AL-HAJ MAULANA FAZLUL KARIM

Zubeyr b. Av

BOOK I 79

2234-1
297.334
FAZ-H

Malik Sirajuddin & Sons
Publishers, Lahore-8 (Pakistan)

205. **Zaid-b-Sabet Ansari.** He was one of the scribes of the Prophet who used to write down revelations of the Quran. He was 11 years old at the time of Hijrat, and was one of the most honoured and revered companions. He was greatly proficient in theology and belonged to that noble band, who during the Caliphate of Hazrat Abu Bakr, gathered together the different portions of the Holy Quran and recorded them systematically under the guidance of Hazrat Osman. The copy of the Quran which is now prevalent is the fruit of their strenuous labours. He died in 40 A. H. at Medina at the age of 56 years.

206. **Zainab-bn-Jahash.** She was the wife of the Prophet. She died first among his wives except Khadija, She was married first to a slave of the Prophet Zaid-b-Haresah. When she was divorced, she offered her hand to the Prophet. Hazrat Ayesha narrated that no lady could surpass her in faith and piety. Hazrats Ayesha and Omme Habibah heard traditions from her.

207. **Zainab.** She was the wife of Abdullah-b-Mas'ud and daughter of Abdullah, son of Muawiyah. She was born among Saqafi tribe.

208. **Zuhri** was a Tabeyi and a great learned man of his time at Medina. Qatadah, Malek-b-Anas and others narrated traditions from him.

209. **Zainab-b Abi Salmah.** Prophet gave her name Zainab after changing her previous name Barrah. She was first married to Abdullah-b-Zainab. She died after the battle of Hurrah.

210. **Zaid-b-Haresah.** He was a slave, but the Holy Prophet freed him. His father wanted him, but Zaid preferred to remain with the Prophet. He was put in command of an army by the Prophet at the battle of Mu'ta in Syria. Avvam

211. **Zubair-b-An'am.** His mother's name was Safiyah, aunt of the Prophet. He was one of the early converts to Islam and one of those few who received good news of Paradise. He accepted Islam at the age of 16 years and suffered serious persecutions at the hands of his uncle for the faith. He took part in all the battles till he fell a martyr at the battle of Camel in 36 A. H. He was buried at the old Basrah town and was 64 years at the time of his death. His sons Abdullah and Urwah narrated traditions from him.

212. **Zubair-b-Mut'em.** He accepted Islam before the conquest of Mecca and died at Medina in 54 A. H. He was greatly conversant with the geneology of the Quraish.

المصباح المضيء

(الجزء الأول)

في

كتاب النبي الأمي ورسله إلى
ملوك الأرض من عربي وعجمي

للشيخ الإمام أبي عبد الله محمد بن علي بن أحمد بن مديد الأنصاري
المتوفى سنة ٧٨٣ هـ - ١٣٨١ م

صححه وعلق عليه
الشيخ محمد عظيم الدين

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Araştırmaları Merkezi

عالم الكتب

Zübeyr b. Avvâm

٢١ ـ الزبير بن العوام

ابن خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي، القرشي الأسدي، يكنى أبا عبد الله. أمه صفية بنت عبد المطلب بن هاشم عمة رسول الله ﷺ. أسلم هو وعلي بن أبي طالب وهما ابنا ثماني سنين، وقيل غير ذلك.

[و-(٤)] روي عنه ﷺ أنه قال: الزبير بن العوام ابن عمتي وحواريي من أمتي.

وروى(٥) ابن(٦) عبد البر(٧) أن الزبير أول رجل سلَّ سيفاً(٨) في

(١) كذا في الأصول الثلاثة، وفي الاستيعاب ١ /١٨٩ : المصحف.
(٢) في ع : القرآن، وفي الاستيعاب : القراء.
(٣) من ع والاستيعاب.
(٤) زيد من م.
(٥) ليس في ع.
(٦) سقط من ع.
(٧) في الاستيعاب ١ / ٢٠١.
(٨) في ع : سيفه.

وإن امرءاً كانت صفية أمه ومن أسد في بيته(١٠) لمرفل(١١)

(١) سقط من ع.
(٢) في م : نفخ.
(٣) من ع وم ، وفي الأصل : لأعلى.
(٤) في ع : فقال.
(٥) هو عمرو بن عبد الله الكوفي، من أعلام التابعين الثقات، المتوفي سنة ١٢٧ هـ.
(٦) في ع : فقالوا.
(٧) في ع : زيد في ع : بن أبي طالب.
(٨) في ع : دخل.
(٩) كذا في الاستيعاب ١ / ٢٠٢ وديوان حسان بن ثابت المطبوع بمصر سنة ١٩٢٩ م ص ٣٣٩؛ وفي ع وم : يطول.
(١٠) في الديوان : بيتها.
(١١) من الديوان، وفي الأصول الثلاثة والاستيعاب: لرمقل.

له من رسول الله قربى قريبة(١) ومن نصرة الإسلام مجد مؤثل
فكم كربة ذب الزبير بسيفه عن(٢) المصطفى والله يعطي ويجزل(٣)
إذا كشفت عن ساقها الحرب حشها بأبيض سبَّاق(٤) إلى الموت يرفل(٥)
فما مثله فيهم ولا كان قبله وليس يكون الدهر مادام يذبل(٦)

تفسير :

المرفل : المعظم ـ قاله الجوهري . والمحشة : حديدة تحرك بها النار، ومنه قيل للرجل الشجاع: نعم محش الكتيبة . الأبيض : السيف . يرفل : يخطر في مشيه ـ قاله أيضاً . ويذبُل(٧) ـ بفتح أوله وإسكان ثانية بعده باء معجمة بواحدة(٨) ثاني الحروف : جبل(٩) طرف منه لبني عمرو ابن كلاب وبقيته لباهلة، يقال له : يذبل(١٠) الجوع، لأنه أبداً مجدب ـ قاله البكري في المعجم(١١).

شهد الزبير الجمل، فقاتل فيه ساعة، فناداه عليٌّ وانفرد به، فذكره أن رسول الله ﷺ قال له وقد وجدهما يضحكان بعضهما لبعض : أما! إنك ستقاتل علياً وأنت

(١) من الديوان والاستيعاب، وفي الأصول الثلاثة: قرابة.
(٢) في ع : على.
(٣) في الديوان : فيجزل.
(٤) من ع والاستيعاب، وفي الأصل: سياق، وفي م بدون نقط؛ وفي الديوان: ساق.
(٥) في الديوان: يرقل.
(٦) من ع والاستيعاب والديوان، وفي الأصل: يدبل، وفي م: يزبل؛ وزيد بعده في الديوان ص ٣٤٠ :
ثناءك خير من فعال معاشر وفلك يا ابن الهاشمية أفضل
(٧) من ع : ، وفي الأصل : يدبل، وفي م : يزيل.
(٨) في ع : بواحد.
(٩) من ع وم، وفي الأصل: حبك.
(١٠) من ع، وفي الأصل: بذيل، وفي م : يزبل.
(١١) وفي معجم البلدان لياقوت ٨ / ٥٠٢: «يذبل جبل لباهلة مضارع ذبل إذا استرخى».

أعلام العرب
١٢٦

أبو هريرة

راوية الإسلام

Zakaya b. Awwam

تأليف
محمد عجاج الخطيب

6879
922.973
ABU E

الهيئة المصرية العامة للكتاب
١٩٨٧

فلم يأخذ ابن عباس بخبره وردّه صريحا ، قال : (لا يلزمنا الوضوء من حمل عيدان يابسة) [١] . وذكر نحوه أبو رية عن ابن مسعود [٢] وقال (يا أيها الناس لا تنجسوا من موتاكم) قال الامام الزركشي : (وأما ما روى عن أبي هريرة أنه قال (من غسّل ميتا اغتسل ، ومن حمله توضأ) وأن عائشة أنكرت ذلك وقالت : « أو نجس موتى المسلمين ؟ وما على رجل لو حمل عودا » . قال البيهقي في ذلك : (الروايات المرفوعة في هذا الباب عن أبي هريرة غير قوية ، لجهالة رواتها ، وضعف بعضهم) . والصحيح أنه موقوف على أبي هريرة [٣] . اهـ فان صح عنه ذلك فهو رأى وليس في ذلك كذب على رسول الله صلى الله عليه وسلم ، كما ليس في ذلك تكذيب من الصحابة له .

(ز) أبو هريرة والزبير :

ذكر أبو رية جزءا من خبر الزبير مع أبي هريرة وهو (قوله : (صدق ، كذب) ولم ينقل بقية الرواية التي تكشف عن وجه الحق ، لذلك أسوق ما رواه أبو القاسم البلخي الذي حاول الطعن في أبي هريرة قال : قال ابن أبي خيثمة وحدّثنا هارون ابن معروف نا محمد بن سلمة نا محمد بن اسحاق عن عمر أو عثمان بن عروة عن أبيه يعني عروة بن الزبير قال : قال

(١) أبو هريرة : ٢٧٦
(٢) أضواء على السنة : ١٦٩ .
(٣) الاجابة لايراد ما استدركته عائشة على الصحابة : ١٣٥–١٣٦ .

أبي الزبير : (يا بني ادنني من هذا اليماني يعني أبا هريرة فانه يكثر الحديث عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال : فأدنيته منه فجعل أبو هريرة يحدّث بينما جعل الزبير يقول صدق ، كذب ، صدق كذب ، قال : قلت : يا أبت ما قولك صدق كذب قال : يا بني أما أن يكون سمع هذه الأحاديث عن رسول الله صلى الله عليه وسلم فلا شك ، ولكن منها ما وضعه على مواضعه ، ومنها مالم يضعه على مواضعه [١]) هل في هذا الخبر تكذيب لأبي هريرة كما ظن البلخي وأبو رية ؟

والزبير لم يعترض على سماع أبي هريرة أو عدم سماعه ، بل سلّم بالسماع ، ولم يشك فيه ، انما قال عندما سمع أحاديث أبي هريرة الكثيرة انه يضع بعضها على غير ما يجب أن يوضع ، ولا ضير على أبي هريرة في ذلك ، ولا سبيل للطعن في صدقه ، لأنه لم يتقول على رسول الله ما لم يقل ، ومعنى قوله صدق ، كذب (أصاب ، وأخطأ) كما سأبينه بعد قليل وليس في الخطأ كذب وخاصة في هذا المقام .

(١) قبول الأخبار : ١٨ ونحوه في البداية والنهاية : ١٠٩/٨ وفي الاصابة : ٢٠٥/٧ في سند الرواية المذكورة محمد بن سلمة ، فان كان محمد بن سلمة بن قرباء البغدادي او محمد بن سلمة بن كهيل او محمد بن سلمة البناني أو ابن فرقد فهؤلاء كلهم متروكون وضعاف فان كان من جهة واحد منهم فالخبر ضعيف ، ولو كان واحدا غير هؤلاء فهو مجهول . واذا عرفت عدالته وسلمنا بصحة الخبر فليس فيه تكذيب لأبي هريرة كما ذكرت .

Dia rein taraudi. M. 52

شرح نهج البلاغة

لابن أبي الحديد

بتحقيق
محمد أبو الفضل إبراهيم

الجزء الأول

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Ansiklopedisi
Kütüphanesi
Kayıt No : 176-1
Tasnif No. : 297.47 HAD.Ş

دار إحياء الكتب العربية
عيسى البابي الحلبي وشركاه

06 ARALIK 1994

Zübeyr b. Avvam (230-236)

(٨)

الأصل :

ومن كلام له عليه السلام يعنى به الزبير فى حال اقتضت ذلك :

يَزْعُمُ أَنَّهُ قَدْ بَايَعَ بِيَدِهِ وَلَمْ يُبَايِعْ بِقَلْبِهِ ؛ فَقَدْ أَقَرَّ بِالْبَيْعَةِ ، وَادَّعَى الْوَلِيجَةَ . فَلْيَأْتِ عَلَيْهَا بِأَمْرٍ يُعْرَفُ ، وَإِلَّا فَلْيَدْخُلْ فِيمَا خَرَجَ مِنْهُ .

* * *

الشرح :

الوليجة : البطانة، والأمر يُسَرّ ويكتَم، قال الله سبحانه : ﴿ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً ﴾ [1] . كان الزبير يقول : بايعتُ بيدى لا بقلبى ؛ وكان يدّعى تارة أنّه أكره ، ويدّعى تارة أنه ورّى فى البيعة توريةً، ونَوَى دخيلة، وأتى بمعاريض لا تُحمل على ظاهرها، فقال عليه السلام : هذا الكلام إقرارٌ منه بالبيعة وادعاء أمر آخر لم يُقِمْ عليه دليلا ، ولم ينصب له برهانا، فإمّا أن يقيم دليلا على فساد البيعة الظاهرة، وأنها غير لازمة له ، وإمّا أن يعاود طاعته .

قال علىّ عليه السلام للزّبير يوم بايعه : إنّى لخائف أن تغدِر بى وتنكث بيعتى، قال: لا تخافنّ ؛ فإنّ ذلك لا يكون منى أبدا ، فقال عليه السلام : فلى الله عليك بذلك راعٍ وكفيل . قال : نعم ، الله لك علىّ بذلك راعٍ وكفيل .

* * *

[أمر طلحة والزبير مع علىّ بن أبى طالب بعد بيعتهما له]

لما بويع علىٌّ عليه السلام كتب إلى معاوية : أمّا بعدُ ، فإنّ الناس قتلوا عثمان عَنْ غير

(١) سورة التوبة ١٦

مشورة منّى ، وبايعونى عن مشورة منهم واجتماع ، فإذا أتاك كتابى فبايع لى ، وأوفِدْ إلىّ أشراف أهل الشام قِبَلك .

فلما قدم رسوله على معاوية ، وقرأ كتابه ، بعث رجلا من بنى عُمَيْس ، وكتب معه كتابا إلى الزبير بن العوام ، وفيه :

بسم الله الرحمن الرحيم . لعبد الله الزبير أمير المؤمنين من معاوية بن أبى سفيان :

سلام عليك ، أمّا بعد ، فإنى قد بايعتُ لكَ أهل الشام ، فأجابوا واستوسقوا [2] كما يستوسق الجَلَب ، فدونك الكوفة والبَصْرة ، لا يسبقك إليها ابن أبى طالب ، فإنّه لا شىء بعد هذين المِصْرين ، وقد بايعتُ لطلحة بن عبيد الله من بعدك ، فأظْهِرا الطلب بدم عثمان ، وادْعُوَا الناس إلى ذلك ، وليَكُنْ منكما الجِدّ والتشمير ، أظفركما الله ، وخذل مناوئكما !

فلما وصل هذا الكتابُ إلى الزُّبير سُرّ به ، وأعلم به طلحة وأقرأه إياه ، فلم يشكّا فى النُّصح لهما من قِبَل معاوية ، وأجمعا عند ذلك على خِلاف علىّ عليه السلام .

* * *

جاء الزبيرُ وطلحة إلى علىّ عليه السلام بعد البيعة بأيام ، فقالا له : يا أمير المؤمنين ، قد رأيتَ ما كنّا فيه من الجَفْوة فى ولاية عثمان كلّها ، وعلمت رأىَ عثمان كان فى بنى أمية ، وقد ولّاك الله الخلافة مِنْ بعده ، فولِّنا بعضَ أعمالك ، فقال لهما : ارضيا بقسْم الله لكما ، حتى أرى رأيى ، واعلما أنّى لا أشرك فى أمانتى إلّا من أرضى بدينه وأمانته من أصحابى ، ومن قد عرفت دخيلَته .

فانصرفا عنه وقد دَخَلهما اليأس ، فاستأذَناه فى العمرة .

(٢) استوسقوا : استجمعوا وانضموا . وفى نهاية ابن الأثير : « ومنه حديث أحد : استوسقوا كما يستوسق جرب الغنم ، أى استجمعوا » .

كُتَّاب النَبي

صلى الله عليه وسلم

تأليف

الدكتور محمد مصطفى الأعظمي

استاذ الحديث النبوي بجامعة الملك سعود
والحائز على جائزة الملك فيصل العالمية
للدراسات الاسلامية

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Ansiklopedisi
Kütüphanesi
Kayıt No : 1305
Tasnif No. : 922.9797
AZA-K

الطبعة الثالثة

مزيدة ومنقحة

Zübeyr b. Avvâm

٢٦ ـ الزبير بن العوام رضي الله عنه :

ولد سنة ١٨ قبل الهجرة ٠

قال المدائنى : كان طلحة والزبير وعلي أترابا[٤] ٠

هو حواري رسول الله ﷺ وابن عمته ٠ أسلم وهو حدث ٠ قال عروة : أسلم الزبير وهو ابن ثمان سنين[٥] ، وكان إسلامه بعد أبي بكر بيسير[٦] وهو أول من سل سيفه في سبيل الله[٧] أشيع بأن النبي ﷺ أخذ بأعلى مكة ، فخرج الزبير ـ وهو ابن اثنتي عشر سنة ـ وبيده السيف حتى أتى النبي ﷺ ، فقال : « مالك يا زبير » فأخبره ، وقال : أتيت أضرب بسيفي من أخذك ٠

كان عمه يعذبه على الاسلام ، فكان يعلقه ويدخن عليه ، ويقول الزبير : لا أرجع إلى الكفر أبداً[٨] وهاجر إلى الحبشة ، ولم يطل الإقامة بها[٩] ٠

اشترك الزبير في غزوة بدر ٠ وكان يوم بدر مع رسول الله ﷺ فارسان : الزبير على فرس على الميمنة ، والمقداد بن الأسود على فرس على الميسرة[١٠]٠ اعطاه رسول

(١) « البداية والنهاية » ٥ : ٣٤٤
(٢) « سير أعلام النلاء » ١ : ٢٧٦ ٠
(٣) « الاصابة » ١ : ٤١٥
(٤) « سير أعلام النبلاء » ١ : ٢٨
(٥) « سير أعلام النبلاء » ١ : ٢٧
(٦) « أسد الغابة » ٢ : ١٩٧ ٠
(٧) « سير أعلام النبلاء » ١ : ٢٧
(٨) « سير أعلام النبلاء » ١ : ٢٩
(٩) « سيرة ابن هشام » ١ : ٣٤٤ ٠ « سير أعلام النبلاء » ١ : ٣٠
(١٠) « سير أعلام النبلاء » ١ : ٢٩

Türkiye Diyanet Vakfı
Kutüphanesi
İslâm Ansiklopedisi

الله ﷺ يوم فتح مكة لواء سعد بن عبادة ، فدخل الزبير مكة بلوائين[١] ثم اشترك في كافة الغزوات ، ولم يختلف عن غزوة غزاها رسول الله ﷺ[٢] ٠

مناقبـه :

وهو أحد العشرة المشهود لهم بالجنة[٣] ٠ وقال عنه رسول الله ﷺ : لكل نبي حواري وحواري الزبير[٤] ٠ شهد فتح مصر في زمن عمر بن الخطاب رضي الله عنه[٥] وهو أحد الستة الذين رشحهم عمر للشورى والإمارة[٦] ومحا الزبير نفسه من الديوان بعد مقتل عمر بن الخطاب رضي الله عنه[٧] ٠

ويوم الجمل خرج لقتال علي رضي الله عنه مع أم المؤمنين عائشة ، فذكّره على قول رسول الله ﷺ ، فانصرف ولم يقاتل ٠ وفي عودته قتله ابن جرموز وهو يصلي[٨] في وادي السباع على سبعة فراسخ من البصرة[٩] في جمادى الأولى سنة ست وثلاثين من الهجرة[١٠] بكى عليه علي رضي الله عنه وأصحابه[١١] وقال لقاتله : « تبوأ ياأعرابي مقعدك من النار ، حدثني رسول الله ﷺ « إن قاتل الزبير في النار »[١٢]٠

وهو من كتّاب النبي ﷺ ٠

قال المسعودى : الزبير بن العوام وجهيم بن الصلت كانا يكتبان أموال

(١) « سير أعلام النبلاء » ١ : ٣٣
(٢) « الاستيعاب » ١ : ٥٨
(٣) « سير أعلام النبلاء » ١ : ٢٧
(٤) « سير أعلام النبلاء » ١ : ٣٩ ٠ خ دعاء النبى باب السير وحده
(٥) « أسد الغابة » ٢ : ١٩٨
(٦) « سير أعلام النبلاء » ١ : ٣٤
(٧) « سير أعلام النبلاء » ١ : ٣٧
(٨) « أسد الغابة » ٢ : ١٩٩
(٩) « سير أعلام النبلاء » ١ : ٤٢
(١٠) « الإصابة » ١ : ٥٤٦ وله ٦٦ أو ٦٧ سنة ٠
(١١) « سير أعلام النبلاء » ١ : ٣٩
(١٢) « سير أعلام النبلاء » ١ : ٤٠

MECELLETU'L-EZHER, C. 46 ,
(sayı 5), s. 514-70 , 1979 KAHİRE.

مذهب حواري النبي في تسمية أبنائه

للأستاذ السيد حسن فرون

وحواري النبي صلى الله عليه وسلم (الزبير بن العوام بن خويلد ابن أسد بن عبد العزى بن قصي) وأمه (صفية بنت عبد المطلب بن هاشم ابن عبد مناف بن قصي) عمة محمد النبي وخاتم المرسلين • وكلمة حواري لك أن تفسرها (بالناصر) أو (بالخليل) أو (الخالص من كل شيء) أو بكل أولئك • ويقولون في سبب تلقيبه بهذا اللقب أن الرسول يوم الخندق قال : من يأتيني بخبر القوم ؟ فقال الزبير : أنا • فقال النبي : من يأتيني بخبر القوم ؟ فقال الزبير : أنا• فقال : من يأتيني بخبر القوم : فقال الزبير : أنا • فقال النبي صلى الله عليه وسلم : « ان لكل نبي حواريا ، وان حواريي الزبير » ويذكرون أن ابن عمر سمع رجلا يقول : أنا ابن حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم ، فقال ابن عمر : ان كنت من آل الزبير والا فلا •

وقد عرف الزبير بالشجاعة والاقدام والفروسية من صغره ، فقد نشأ في أسرة قرشية تتسم بالاباء والمنعة والبطولة ، ولها مكانتها في قريش ، أبوه العوام كان بطل حرب الفجار ، ولبنيها تطلعات الى الرياسة في الجاهلية والاسلام ، وأنا لا أذكر تاريخ هذه الأسرة الا بمقدار ما يمس شخصية الزبير وأثره في تنشئته ، فهو ينحدر من (أسد بن عبد العزى) ومع أن قصيا لم يجعل لابنه (عبد العزى) نصيبا في مناصبه كما جعل لأخيه عبد الدار وأخيه عبد مناف الا أن قريشا اعترافا بفضلهم ، وتقديرا لمنزلتهم جعلت لهم (المشورة) في شئون الحرب والسلم ، وكانوا من الثراء والسخاء ، بما يرضي العلياء ، ويكفيك اشادة بثرائهم وسنائهم أن خديجة بنت خويلد عمة الزبير وزوج النبي كانت كما تروى السيرة من « أوسط قريش نسبا وأكثرهم مالا » وهي القادم على سيف بن ذي باعتلاء عرش آبائه بعد طرد الأحباش

كان أسد بن عبد العزى بن قصي مع عبد المطلب بن هاشم وأمية بن عبد شمس وأبو الصلت الثقفي والد الشاعر (أمية) ومن أبنائه من كان يريد أن يكون ملكا على مكة هو عثمان بن الحويرث مستعينا بقيصر الروم ،ورضيت قريش وأبى بنوعمه، فدسوا اليه من قتله بالشام • وانك لتعجب لرجل منهم هو أبو البختري ابن هشام نهى النبي عن قتله بغزوة بدر على شركه وخروجه مع قريش محاربا لرسول الله ؛ لأنه في مكة كان لا يؤذي الرسول « وكان(١) ممن قام في نقض الصحيفة التي كتبت قريش على بني هاشم وبني المطلب » فلقيه الصحابي المجذر بن زياد البلوي ، فأنهى اليه وصية الرسول ، وأراد أسره ، فأبى البختري الا أن يعامل زميله (الليثي) معاملته قائلا : « لا تحدث عني نساء قريش من أهل مكة أني تركت أبا البختري حتى يموت أو يرى سبيله

فقتله المجذر بعد جلاد ، وكانت له مندوحة في الأسر والفداء ، وعرفان الرسول بجميله ، ولكن صده عن السلامة الحفاظ المر والخلق الوعر ومنهم ورقة بن نوفل ابن عم خديجة وهو القائل لها حين أخبرته خبر زوجها : « لئن كنت صادقة ان زوجك لنبي ، وليلقين من أمته شدة ، ولئن أدركته لأومنن به » •

وقد نشأ الزبير يتيما فكفلته أمه صفية بنت عبد المطلب ، فصنعته على عينها محاربا لا يعرف الا ميادين القتال ، وفارسا يستهويه الصيال والنزال ، وأسمته الزبير باسم أخيها الزبير بن عبد المطلب صاحب (حلف الفضول) الذي قال فيه الرسول : « ما أحب أن لي بحلف حضرته في دار ابن جدعان حمر النعم ، وأني

(١) الطبري ـ غزوة بدر .

Madjallat al-Ma'had al-Makhtutad al-Arabiyya'
c. XXIX (s. 1) s. 285-321, 1985 (SAFAT. KUWAIT)
Not: Bu makalenin 285-299 sayfalarının fotokopisi çekilmiştir

ملاحظـــات وتعليقـــات علىٰ كتـــاب :

« الجوهرة في نسب النبي صلى الله عليه وسلم وأصحابه العشرة »

Ebu Abdillah el-Ensari
Bürri, Muh b. Ebi Bekr b. Abdillah el-Tilimsani el-Bur

لمحمد بن أبي بكر البُرِّي

تحقيق : الدكتور محمد التونجي

تعليق : الدكتور أحمد محمد الضبيب

كلية الآداب ــ جامعة الملك سعود بالرياض

كتاب « الجوهرة في نسب النبي ﷺ وأصحابه العشرة » كتاب فريد ، ألفه مؤلف من رجال القرن السابع الهجري استوطن جزيرة « منورقة » الأندلسية ، في زمن عصيب كانت الجزيرة فيه تلفظ أنفاسها العربية الأخيرة ، تحت قيادة حاكم عربي هو أبو عثمان سعيد بن حكم بن عمر بن حكم القرشي .. الذي أخذ يداهن الإسبان ويحمل إليهم الأتاوات ، بعد أن سقطت جارته جزيرة « منورقة » في أيديهم .

وقد صدر الكتاب في طبعته الأولىٰ (١٤٠٣ هـ/١٩٨٣ م) بالرياض عن دار الرفاعي للطباعة والنشر والتوزيع في جزئين . بعناية الدكتور محمد التونجي الأستاذ بجامعة حلب الذي « نقح » الكتاب وعلق عليه[1] .

---

(١) ذكر الدكتور محمد بن شريفة ، محقق كتاب « الذيل والتكملة لكتابي الموصول والصلة » الرباط ، ١٩٨٤ م ، ص ٢٨٠ : أن الدكتور محمد التونجي قد نشر طرفاً من هذا الكتاب (مكتبة الشورىٰ ، دمشق ، ١٩٨٢ م) . ولم أطلع علىٰ هذه القطعة . ولعلها لا تمثل الكتاب كاملاً .

23 EYLÜL 1996

الزُّبَيْرُ بْنُ العَوَّام ZÜBEYR b. AVVAM

عد ـ ج ٣ ق ١ ص ٧٠

* الزُّبَيْرُ مِنَ العَوَّامِ حَوَارِيُّ النبيِّ ص —

بخ ـ ك ٥٦ ب ٤٠ و ٤١ و ١٣٥ ؛ ك ٦٢ ب ١٣ ؛ ك ٦٤ ب ٢٩ ؛ ك ٩٥ ب ٢

مس ـ ك ٤٤ ح ٤٨

تر ـ ك ٤٦ ب ٢٣ و ٢٤

مج ـ المقدمة ب ١١

عد ـ ج ٣ ق ١ ص ٧٣

حم ـ أول ص ٨٩ و ١٠٢ و ١٠٣ ؛ ثالث ص ٣٠٧ و ٣١٤ ، و ٣٣٨ ، و ٣٤٥ و ٣٦٥ ؛ رابع ص ٤

ط ـ ح ١٦٣

قد ـ ص ٢٧٢

* أَمَانَتُهُ للنبيِّ ص —

مج ـ المقدمة ب ١١

* قَوْلُ النبيِّ ص له فِدَاكَ أَبِي وأُمِّي —

بخ ـ ك ٦٢ ب ١٣

مس ـ ك ٤٤ ح ٤٨

تر ـ ك ٤٦ ب ٢٢

مج ـ المقدمة ب ١١

عد ـ ج ٣ ق ١ ص ٧٤

حم ـ أول ١٦٤ ، و ١٦٦

* وَصِيَّتُهُ بِشَأْنِ إِرْثِهِ —

بخ ك ٥٧ ب ١٢

عد ـ ج ٣ ق ١ ص ٧٥

* هُوَ جَارُ النبيِّ ص في الجنة —

تر ـ ك ٤٦ ب ٢١

* أَحَدُ العَشَرَةِ المبشَّرِينَ بالجنة

تر ـ ك ٤٦ ب ٢٥

حم ـ أول ص ١٨٧ ، و ١٨٨ ، ١٩٣ ؛

ط ـ ح ٢٢٦

* إِقْطَاعُ النبيِّ ص الزُّبَيْرَ أَرْضاً من أموال بني النَّضِير —

بخ ـ ك ٥٧ ب ١٩

عد ـ ج ٣ ق ١ ص ٧٢

حم ـ سادس ص ٣٤٧

* غَيْرَتُهُ —

بخ ـ ك ٦٧ ب ١٠٧

حم ـ سادس ص ٣٤٧

* عُرِضَ عليه أَنْ يَكُونَ خَلِيفَةَ عُثْمَانَ —

بخ ـ ك ٦٢ ب ١٣

* حُبُّ النبيِّ ص له —

بخ ـ ك ٦٢ ب ١٣

* إِقْطَاعُ النبيِّ ص الزُّبَيْرَ حُضْرَ فَرَسِهِ بأرض يقال لها ثُرَيْد —

حم ـ ثان ص ١٥٦

* إِقْرَارُ النبيِّ ص له حَقَّهُ بكتاب

عد ـ ج ١ ق ٢ ص ٢٦

* الزُّبَيْرُ ومَوْتُ عُثْمَان —

حم ـ أول ص ١٦٥

* جُرْحُهُ في بَدْرٍ واليَرْمُوكِ —

بخ ـ ك ٦٢ ب ١٢ ؛ ك ٦٤ ب ٨

* مَأْثَرَتُهُ في وَقْعَةِ بَدْرٍ —

بخ ـ ك ٦٤ ب ١٢

* مُعَاوَنَتُهُ النبيَّ ص بَعْدَ أُحُدٍ

بخ ـ ٦٤ ب ٢٥

* مَالُهُ —

عد ـ ج ٣ ق ١ ص ٧٥

* أَيْنَ قُتِلَ ومَنْ قَتَلَهُ —

عد ـ ج ٣ ق ١ ص ٧٧

WENSINCK AREN JEAN, MİFTAHU KÜNUZÜ's-SÜNNE,
Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss . 217 DİA DM NO: 04160.

KISALTMALAR:

بخ= صحيح البخاري، مس= صحيح مسلم، بد= سنن أبي داود، تر= سنن الترمذي، نس= سنن النسائي، مج= سنن ابن ماجه، مى= سنن الدارمي، ما= موطأ مالك، ز= مسند زيد بن علي، عد= طبقات ابن سعد، حم= مسند احمد بن حنبل، ط= مسند الطيالسي، هش= سيرة ابن هشام، قد= مغازي الواقدي

ERZURUMLU İBRAHİM HAKKI, *Marifetnâme,* (sad. M. Fûad Başar), İstanbul, 1984.
GAZZÂLÎ, Ebu Hâmid Muhammed, *el-Maksadu'l-Esnâ fî Şerhi Esmâi'llâhi'l-Husnâ,* Kahire, ts.
_____, *İhyâu Ulûmi'd-Dîn,* Kahire, 1994.
_____, *Kitâbü'l-Erbaîn fî Usûli'd-Dîn,* Beyrut, 1988.
_____, *Tehâfütü'l-Felâsife,* Kahire, 1923.
HUCVÎRÎ, Ali b. Osman Cüllâbî, *Keşfu'l-Mahcûb,* (haz. Süleyman Uludağ), İstanbul, 1982.
HASAN BASRÎ, *Kader Risâlesi,* (neşr. Helmut Ritter), Der Islâm, Berlin, 1933, Sayı: 1.
İSFEHÂNÎ, Râgıb, *el-Müfredât fî Garîbi'l-Kur'ân,* İstanbul, 1986.
İBN KUTEYBE, Ebû Muhammed Abdillah b. Müslim, *el-İmâme ve's-Siyâse,* Beyrut, 1969.
_____, *Te'vîlu Muhtelifi'l-Hadîs,* (trc. M. Hayri Kırbaşoğlu), İstanbul, 1979.
İBN RÜŞD, Ebu'l-Velid Muhammed b. Ahmed, *Tehâfütü't-Tehâfüt,* Kahire, 1923.
İBN SA'D, Ebu Abdillâh Muhammed, *Tabakâtü'l-Kübrâ,* Beyrut, ts.
İKBAL, Muhammed, *İslâm'da Dini Düşüncenin Yeniden Doğuşu,* (çev. N. Ahmed Asrar), İstanbul, 1984.
KARADENİZ, Osman, *Ecel Üzerine,* İzmir, 1992.
KUŞEYRÎ, Abdulkerim, *Kuşeyrî Risâlesi,* (haz. Süleyman Uludağ), İstanbul, 1991.
MAHMÛD, Abdülhalim, *et-Tefkîr'l-Felsefî fi'l-İslâm,* Kahire, 1989.
MAKRİZİ, Takıyyuddin Ahmed b. Ali, *el-Hıtât ve'l-Âsâr,* Kahire, 1945.
MALATÎ, Ebu'l-Huseyn, *et-Tenbîh ve'r-Red,* (nşr. M. Zâhid el-Kevserî), Beyrut, 1968.
MÜSLİM, Ebul-Huseyn el-Haccâc, *es-Sahih,* Kahire, 1955.
SADR, Muhammed Bagır, *Kur'an Okulu,* (çev. Mehmet Yolcu), İstanbul, 1987.
SABRİ, Mustafa, *Dini Müceddidler,* İstanbul, 1977.
SUBHİ, Ahmed Mahmûd, *el-Felsefetü'l-Ahlâk fi'l-Fikri'l-İslam,* Kahire, 1969.
ŞEHRİSTÂNÎ, Abdülkerim, *el-Milel ve'n-Nihal,* (thk. Muhammed Seyyid Geylânî), Kahire, 1976.
TAFTAZÂNÎ, Ebu'l-Vefâ, *Kelâm İlminin Belli Başlı Meseleleri,* (trc. Şerafettin Gölcük), İstanbul, 1980.
TİRMİZİ, Muhammed b. İsâ, *Sünen,* Kahire, 1962.
TURNER, Bryan S., *Oryantalizm, Kapitalizm ve İslâm,* (çev. Ahmet Demirhan), İstanbul, 1997.
VİLLEE, A. Claude, *Genel Biyoloji,* İstanbul, 1974.
YAZIR, M. Hamdi Elmalılı, *Hak Dini Kur'an Dili,* İstanbul, 1979.
ZEBİDİ, Muhammed Murtaza, *Tâcu'l-Arûs,* Beyrut, 1306.

D. 1949

Dinî Araştırmalar, Mayıs-Ağustos 2000, C. 3, s. 7

15 MAYIS 2001

Abdulazîm ed-Deyb'in Zübeyr b. Avvâm'a Yönelik Bazı Tenkitlere Cevabı

Selçuk COŞKUN*

Tam adı; Zübeyr b. Avvâm b. Huveylid b. Esed b. Abdi'l-'Uzzâ b. Kussî[1] olan bu sahabî, iki farklı künye ile anılmaktadır. Bazen annesinin onu, kardeşi Zübeyr b. Abdilmuttalib'in "Ebu't-Tâhir" künyesiyle çağırdığı[2] zikredilse de, asıl künyesi, Ebu Abdillah'dır[3]. Kendisi, Resûlullah (SAS)'ın halası, Safiyye bintu Abdilmuttalib'in oğludur[4].

Mûsa b. Talha'nın rivâyet ettiğine göre; Ali b. Ebi Tâlib, Talha b. Ubeydillah, Sa'd b. Ebi Vakkâs ve Zübeyr b. Avvâm, aynı senede doğmuşlardır. Bu yüzden onlara, "Aynı yılın çocukları denilirdi"[5]. Zübeyr b. Avvâm'ın müslüman olduğu yaş konusunda farklı rivâyetler vardır. Sekiz yaşında müslüman

* *Yrd. Doç. Dr.,* Atatürk Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Hadis Anabilim Dalı Öğretim Üyesi.

1 İbn Hacer, el-İsâbe, Daru'l-Fikr, tsz., I,545.; Nuru'd-Din Ali b. Bekr el-Heysemî, *Mecmau'z-Zevâid ve Menbau'l-Fevâid,* Dâru'l-Kitâbi'l-'Arabî, 3.Baskı, Beyrut-1982, IX,150; İbn Sa'd, *et-Tabakatu'l-Kübrâ,* Daru Beyrut ve Daru Sadır,Beyrut-1957, III,100
2 İbn Hacer, *a.g.e.*,el-İsabe, I,545; Hâkim en-Neysâbûrî, Ebu Abdillah Muhammed b. Abdillah. *el-Müstedrek ale's-Sahihayn,* Daru'l-Kütübü'l-İlmiyye, Beyrut-1990, III,405.
3 İbn Hacer, *a.g.e.*,I,545; İbn Sa'd, *a.g.e.*,III,100; el-Heysemî, *a.g.e.*,IX,150.
4 el-Heysemî, *a.g.e.*,IX,150;İbn Hacer, I,545;İbn Sa'd, *a.g.e.*, III,100; Hâkim en-Neysâbûrî, Daru'l-Kütübü'l-İlmiyye, Beyrut-1990, III,405.
5 Hâkim en-Neysâbûrî, *a.g.e.,* III,415.

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Ansiklopedisi

DİA kopyası olabilir
R. Kurtoğlu

Zubeyr b. Avvam

03 TEMMUZ 1993

الزبير بن العوام

الثروة والثورة

الدكتور

عبد العظيم الديب

أستاذ الفقه والأصول المساعد

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Ansiklopedisi
6453
922.979
DİB.Z

● هذا البحث نموذج لما نرجوه من تحقيق لقضايا تاريخنا الإسلامى . فقد أثبت بالمنهج العلمى القاطع خطأ القول الشائع عن ثروة الزبير بن العوام رضى الله عنه وبالتالى كل ماترتب على ذلك من تفسيرات شوهاء وإساءة للصحابة الأبرار .

HAVLİYYETU KÜLLİYETİ'ş-ŞERİA ve'd-DİRASATİ'l-İSLAMİYYE
aded: 3 (1984) Doha-Katar, s. 203-225. DN: 3902

الزبير بن العوام

الثروة والثورة

الدكتور

عبد العظيم الديب

أستاذ الفقه والأصول المساعد

● هذا البحث نموذج لما نرجوه من تحقيق لقضايا تاريخنا الإسلامى . فقد أثبت بالمنهج العلمى القاطع خطأ القول الشائع عن ثروة الزبير بن العوام رضى الله عنه وبالتالى كل ماترتب على ذلك من تفسيرات شوهاء وإساءة للصحابة الأبرار .

İslâm Araştırmaları Merkezi
02 OCAK 1995

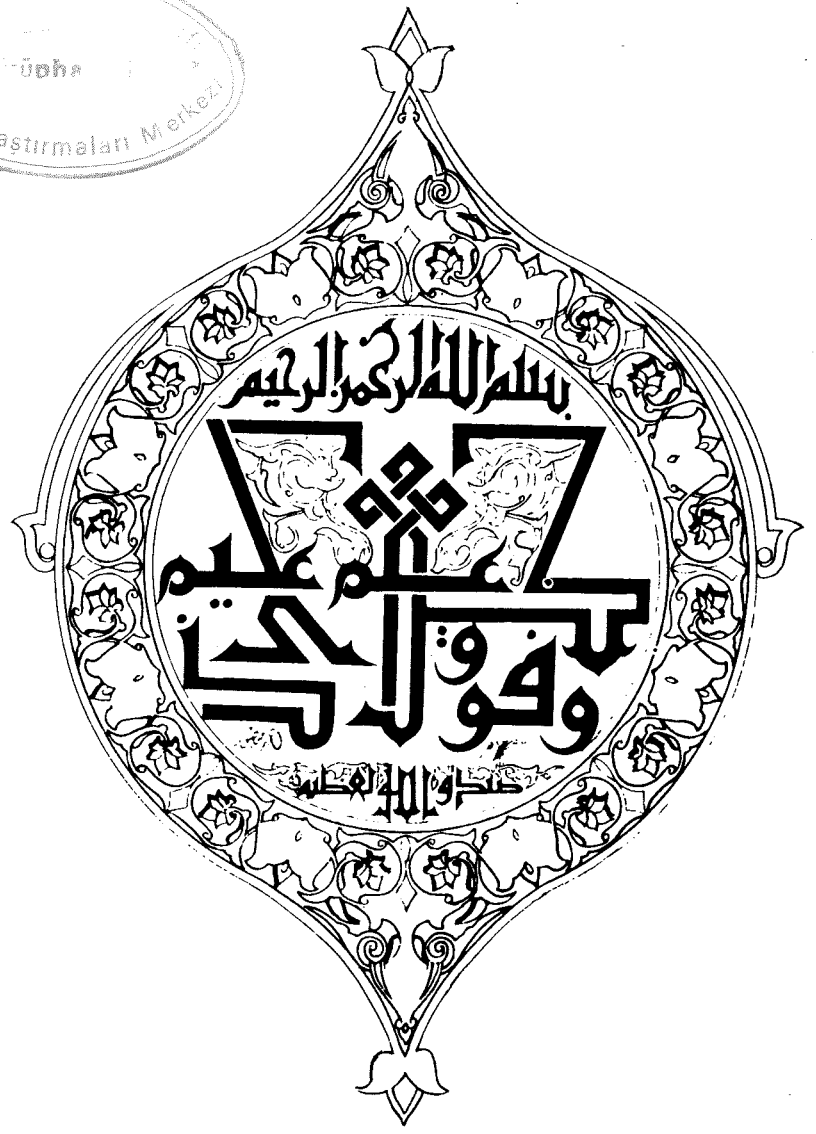

الفضل المزيد على بغيه المستفيد فى أخبار مدينة زبير ـ دراسة وتحقيق لهذه المخطوطة التى ألفها ابن الربيع الشيبانى الزبيرى (يونيو ١٩٧٠)

محمد عيسى عبد الله صالحية (إشراف : أ . د . حسن حبشى)

درس الباحث في الفصل الأول : المؤلف

حياته الخاصة ، وأساتذته الذين تأثر بهم ونقل عنهم ومنهم :

اسماعيل بن محمد أحمد بن مبارز الشرف (٨٠٤ هـ ـ ٨٨٤ هـ) ، وهو الفقيه المشتغل بحفظ القرآن والتفسير والحديث .

محمد الطاهر بن اسماعيل بن محمد بن أحمد بن مبارز ، المشتغل بالفقه والقراءات والذى عمل مدرساً في مدارس زبيدة ، كالمدرسة الياقوتية ، والمدرسة السابقية ، والمدرسة الجمالية ، والمدرسة المنصورية .

إبراهيم بن عبد الله بن أبي القاسم بن اسحق بن ابراهيم بن أبي القاسم بن جعمان ، المطلع علي علوم العربية والفقه .

أحمد بن أحمد بن عبد اللطيف بن أبي بكر الشرجى ، والذى درس عليه مؤرخنا العربية والحديث والفرائض والفقه .

عمر بن محمد الفتا بن سعيد الأشعرى ، صاحب التصانيف الكثيرة في الحديث والفقه والنحو .

كلية الآداب قسم التاريخ

جامعة عين شمس ، التقرير العلمى ، ١٩٦٠ - ١٩٧٠ (ماخصات رسائل الماجستير و الدكتوره التي منحتها الجامعة من سنة ١٩٦٠-١٩٧٠) ، الجزء الاول رسائل الماحستير، القاهرة ١٩٧٣ ، IRCICA KTP. 9650/1

وأشهر هؤلاء الأساتذة محمد بن عبد الرحمن السخاوى ، المؤرخ المعروف الذى التقى به مؤرخنا (سنة ٨٩٦ هـ)، وقرأ عليه الكثير من كتبه ، وسمع منه الحديث والأخبار والتراجم .

كما تناول في هذا الفصل أثر ابن الدبيع في المؤرخين الذى تبعوه ، واعتمدوه أساساً ونقلوا عنه .

وأوضح الباحث في الفصل الثاني : الوضع الداخلي في البلاد اليمنية خلال حكم عامر بن عبد الوهاب هذا الوضع الذى ساده النزاع والصراع ، فلقد تنازع السلطان .

أما المرحلة الثانية من البحث ، فتناول فيها تحقيق المخطوطة .

ولم يعثر بالنسخة الأصلية لهذه المخطوطة ، والتى كتبت بخط ابن الدبيع ، وإنما عثر بأربع نسخ لها موزعة ما بين القاهرة في دار الكتب القومية (النسختان التى تحمل الرقم ٤٥١٦ تاريخ ، وهى ضمن مجلد يحوى كتاب بغية المستفيد) والنسخة س المحفوظة في دار الكتب القومية بالقاهرة وهى ضمن مجموعة برقم ١١ تاريخ م ، ونسخة ر المحفوظة في معهد الشعوب الآسيوية الأفريقية بلينجراد تحت رقم ٤٧ . ونسخة ب المحفوظة في المكتبة الأهلية ببرلين تحت رقم الملحق ١٨٣ .

وبعد دراسة هذه النسخ اعتمدت النسخة الموجودة في دار الكتب القومية بالقاهرة أصلاً لأنها أوفي النسخ وأدقها تناولاً للحوادث بالإضافة إلى جودة خطها وسهولة قراءتها وقدمها ، ومن المرجح أنها من أقدم النسخ ورقاً وحبراً وتجليداً (فلقد جلدت في الفرد الحرام سنة ١٠٤٣ هـ) .

24 MAYIS 1995

Sümer, c.36/1-2, 1980 Bağdad.

ibeyrb. Avvam
28 MAYIS 1992

البصرة القديمة

Enes b. Malik

ناصر النقشبندي

مدير المسكوكات والابحاث الاسلامية سابقا

تقع خرائب البصرة القديمة في الجهة الجنوبية الغربية من البصرة الحديثة (أي من نهاية النخيل الى بداية الخرائب) مسافة (١٤) كيلومترا وعلى ساحل شط العرب بمسافة (١٧) كيلومترا وتنتهي الى خلف قصبة الزبير بمسافة (٢٠) كيلومترا من شط العرب تقريبا .

تقع هذه الاطلال على مرتفع من الارض غرب الاراضي الواطئة المسماة بالسدة والسبخ وتتصل بالزبير بل ان بلدة الزبير تقع على طرف الاطلال الغربية حيث تنتهي بالاراضي التي قيل انها سوق (المربد) الذي ينحصر بين بلدة الزبير ومقبرة حسن البصرى من جهة سوق الحزم وعليه تكون ناحية الزبير واقعة على قسم من الاطلال .

وعرضا تمتد من الجنوب مما يحاذي عيون الدريهمية الى الشمال خلف سكة الحديد بمسافة كبيرة وان محيط الخرائب المزدحمة المتصلة قد تبلغ (١٥) كيلومترا وقد تمتد الملحقات خارج هذه المسافة .

اذا سرنا من بيت الزهير الواقع على الخرائب واتجهنا نحو الجنوب نسير على الخرائب المزدحمة الواطئة وبعد مدة وجيزة نصادف بقايا سور المدينة الجنوبي الغربي المتجه الى الجنوب وعندما نقترب من الدريهمية حيث نكون في الجنوب الغربي نصادف بعض التلول خارج وداخل السور وقد شاهدت احد هذه التلول داخل السور فوجدته فنيا جدا في القطع الجبسية المزخرفة بزخارف مختلفة متنوعة جميلة قد طبعت بشكل بارز على الجص ، ان بعض هذه القطع كبيرة جدا وداخلة في اعماق التل وهي كثيرة فلا يشك في انه بقايا قصر فخم فلو اجرى فيه حفريات لبرز مخططه وعثر فيه على نماذج في الريازة وربما كتابات عدا الاشكال المزخرفة .

ثم نسير على سلسلة من التلول المرتفعة البارزة بين الخرائب الواطئة حتى نحاذي قلعة الدريهمية (القولة) حيث تقع نحو الغرب الجنوبي ثم ينعكف السور ويتجه الى الشرق وهو السور الجنوبي حيث تنحصر منطقة الآثار داخلة الا قطعا مبعثرة ويستمر السور على اتجاهه عدة كيلومترات ثم يذهب في قلب السدة الفاصلة بين البصرتين الى ان يتلاشى فيذهب اثره .

ان هذا السور يحد طرف البصرة الجنوبي فاذا تركنا السور ونزلنا الى الخرائب وجدنا عددا كبيرا يزيد على العشرين من المفاخر قريبة من بعضها كائنة في منطقة واحدة فهي اذا واقعة في الجنوب منها مكونة من بقايا الفخار والاواني والزجاج ومواد متنوعة من مزججة وقناني الزجاج الكثيرة من (الاخضر والازرق والاصفر) الى غير ذلك من الالوان ولم نشاهد المثلث الذي يستعمل في مفاخر بغداد تحت الاواني بل وجدنا قضبانا مستطيلة يبلغ بعضها (٤٠) سانتمترا بقطر (٥) سانتمترات فاذا تركنا السور وسرنا بين

D.392

Jusur 12 (1996), 1–15 (Los Angeles)

Writing the Biography of Az-Zubayr ibn al-'Awwām: Explaining Some Controversial Accounts in the Sunnī *Ṭabaqāt* Literature

Maya Yazigi

ALTHOUGH THE WRITING OF ISLAMIC biographical dictionaries is a thousand year-old tradition, the academic study of this genre is far from being complete. Studies have appeared in the past few decades dealing with the development, inner structure, use, and historiographical value of biographical dictionaries, but much more needs to be done. This article is a modest contribution in this direction. It aims at studying the development of the biographies of a single companion of the Prophet over several centuries in order to observe the changes in the representation of that Companion over time. A comparative study of more than one attempt of this kind will hopefully help us to better understand the dynamics of the genre.

The authors of the *tarājim* of the early *ṣaḥāba* faced serious challenges. In addition to having to rely on transmitted oral accounts that survived the uncertainties of the human memory, they faced a further problem of trying to relate, in the best light possible, the lives of heroes of the Muslim past in order to ascertain their reliability as *ḥadīth* transmitters and to justify and uphold the venerable position they held in the Muslim collective memory. Needless to say, this task became more complicated and much more challenging when the hero in question had, at some point in his life, not behaved in a very "Islamic" fashion. The more pertinent issue then becomes, how does one relate the past while rehabilitating fallen heroes?

1997

Author: ROBERTS, JOSEPH BRADIN
Title: EARLY ISLAMIC HISTORIOGRAPHY: IDEOLOGY AND METHODOLOGY (THE BATTLE OF THE CAMEL)
School: THE OHIO STATE UNIVERSITY (0168) Degree: PHD Date: 1986 pp: 317
Source: DAI 47/09A, p.3541 Publication No.: AAC8629425
Subject: HISTORY, MIDDLE EASTERN (0333)
Abstract: This dissertation seeks to arrive at a clearer understanding of the goals and techniques of medieval Muslim historians and to use their histories as sources for the study of religious and political loyalties in medieval Islamic society. It focuses on the eight earliest Arabic accounts of the Battle of the Camel by the following histo- rians: Khalifa b. Khayyat (d. 854), Ibn Qutayba (d. 889), pseudo-Ibn Qutayba, al-Baladhuri (d. 892), ad-Dinawari (d. 895), al-Ya('c)qubi (d. 897), al-Ghalabi (d. 911), and at-Tabari (d. 923). The battle, which was fought in 656 (A.H. 36), was between ('c)Ali b. Abi Talib, the fourth caliph, and ('c(,))A'isha, Talha, and az-Zubayr--the Prophet Muhammad's wife and two of his closest associates respectively. It was the begin- ning of what later generations of Muslims came to view as the first civil war (fitna) and to understand as the conflict that created permanent divisions in the previously united community.

Four related arguments underlie and unify the discussions of the eight accounts. (1) Medieval Muslim historians engaged in interpre- tation and analysis to a considerably greater extent than many mod- ern scholars of Islamic history have supposed. For reasons that are not yet fully understood, the historians did not express their interpre- tations overtly, but did so through the manipulation of narrative styles and the selection and organization of written materials from the first two Islamic centuries. (2) Although many factors helped to shape an historian's interpretation, the accounts can be understood as reflections and formulations of religious and political loyalties. Con- sequently the explicit factual contents of the accounts need to be understood in the context of the less explicit interpretations. (3) The complexity and variety in the accounts suggests that throughout the third/ninth century religious and political loyalties, at least among historians, were still quite fluid and could not yet be adequately described or categorized as Sunni or Shi('c)i--the labels that have usually been applied to Muslim loyalties. (4) Since loyalties were still fluid at the end of the third/ninth century, there were not accounts that can be identified or classified as Sunni or Shi('c)i. Therefore, the skepticism with which many scholars have viewed histories by reputed Shi('c)is appears unwarranted.

Sümer, c.36/1-2, 1980 Bağdad.

البصرة القديمة

- Enes b. Malik
- Talha b. Ubeydullah.
- Zübeyr b. Avvam.

ناصر النقشبندي

مدير المسكوكات والابحاث الاسلامية سابقا

تقع خرائب البصرة القديمة في الجهة الجنوبية الغربية من البصرة الحديثة (أي من نهاية النخيل الى بداية الخرائب) مسافة (١٤) كيلومترا وعلى ساحل شط العرب بمسافة (١٧) كيلومترا وتنتهي الى خلف قصبة الزبير بمسافة (٢٠) كيلومترا من شط العرب تقريبا .

تقع هذه الاطلال على مرتفع من الارض غرب الاراضي الواطئة المسماة بالسدة والسبخ وتتصل بالزبير بل ان بلدة الزبير تقع على طرف الاطلال الغربية حيث تنتهي بالاراضي التي قيل انها سوق (المربد) الذي ينحصر بين بلدة الزبير ومقبرة حسن البصرى من جهة سوق الحزم وعليه تكون ناحية الزبير واقعة على قسم من الاطلال .

وعرضا تمتد من الجنوب مما يحاذي عيون الدريهمية الى الشمال خلف سكة الحديد بمسافة كبيرة وان محيط الخرائب المزدحمة المتصلة قد تبلغ (١٥) كيلومترا وقد تمتد الملحقات خارج هذه المسافة .

اذا سرنا من بيت الزهير الواقع على الخرائب واتجهنا نحو الجنوب نسير على الخرائب المزدحمة الواطئة وبعد مدة وجيزة نصادف بقايا سور المدينة الجنوبي الغربي المتجه الى الجنوب وعندما نقترب من الدريهمية حيث نكون في الجنوب الغربي نصادف بعض التلول خارج وداخل السور وقد شاهدت احد هذه التلول داخل السور فوجدته فنيا جدا في القطع الجبسية المزخرفة بزخارف مختلفة متنوعة جميلة قد طبعت بشكل بارز على الجص ، ان بعض هذه القطع كبيرة جدا وداخلة في اعماق التل وهي كثيرة فلا يشك في انه بقايا قصر فخم فلو اجرى فيه حفريات لبرز مخططه وعثر فيه على نماذج في الريازة وربما كتابات عدا الاشكال المزخرفة .

ثم نسير على سلسلة من التلول المرتفعة البارزة بين الخرائب الواطئة حتى نحاذي قلعة الدريهمية (القولة) حيث تقع نحو الغرب الجنوبي ثم ينعكف السور ويتجه الى الشرق وهو السور الجنوبي حيث تنحصر منطقة الآثار داخلة الا قطعا مبعثرة ويستمر السور على اتجاهه عدة كيلومترات ثم يذهب في قلب السدة الفاصلة بين البصرتين الى ان يتلاشى فيذهب اثره .

ان هذا السور يحد طرف البصرة الجنوبي فاذا تركنا السور ونزلنا الى الخرائب وجدنا عددا كبيرا يزيد على العشرين من المفاخر قريبة من بعضها كائنة في منطقة واحدة فهي اذا واقعة في الجنوب منها مكونة من بقايا الفخار والاواني والزجاج ومواد متنوعة من مزججة وقناني الزجاج الكثيرة من (الاخضر والازرق والاصفر) الى غير ذلك من الالوان ولم نشاهد المثلث الذي يستعمل في مفاخر بغداد تحت الاواني بل وجدنا قضبانا مستطيلة يبلغ بعضها (٤٠) سانتمترا بقطر (٥) سانتمترات فاذا تركنا السور وسرنا بين

NOT: Makaleninaslı «ENES b. MALIK» poşet indedir

Al Muarrikh Al Arabi
4 (1975) S 171-209

كتاب النبي
صلى الله عليه وسلم

الدكتور شاكر محمود عبد المنعم
كلية الاداب ـ قسم التاريخ

لم يهتم المؤرخون في الماضي كثيرا بموضوعات كهذه ، كما اهتموا بغيرها مما يتعلق بالنبي (ص) . فلم يؤلفوا فيها كتبا كثيرة . ولقد أشارت المصادر الى كتابين عن كتاب النبي (ص) الأول : هو « الكتاب » لعمر بن شبة النميري(١) (ت ٢٦٢) والثاني : للقضاعي(٢) ولكنها لم تصل الينا حتى الوقت الحاضر .

وفي الربع الاخير من القرن الثامن الهجري عكف الشيخ الامام أبو عبد الله محمد بن على بن احمد بن حديدة الانصاري(٣) (ت ٧٨٣) على تدوين كتابه الموسوم « المصباح المضيء في كتاب(٤) النبي الامي ورسله الى ملوك الارض من عربي وعجمي » . وجعله على قسمين : الأول في كتابه ، والثاني في رسله ومكاتباته الى الملوك . وقد فرغ من تاليفه في ذى القعدة سنه ٧٧٩ هـ . ويقع في (٦٠) ورقه ومنه نسخة

---

(١) انظر : الاستيعاب ، ج١ ص٣٠ .

(٢) الاصابه ، ج١ ص٣٣٨ .

(٣) هو جمال الدين عبد الله بن محمد بن على بن حديدة الانصاري . ولد سنة ٧٢١هـ . وعني بالحديث وكتب الاجزاء والطباق وجمع كتابه المذكور الذى سماه ابن حجر « المصباح المضيء في معرفة كتاب النبي » . وكان خازن الكتب بالخانقاه الصلاحية بالقاهره . انباء الغمر ، ج١ ص ٢٤٦ .

(٤) ذكره حاجي خليفة في كشف الظنون ، مجلد ٢ ص ١٧١٠ . وبروكلمان (٧٢/٢) واورد له الدكتور لطفي عبد البديع وصفا في : فهرس المخطوطات المصوره /ج٢ ص ٢٥٠ .

DOKÜMANTASYON MERKEZİ

Vahiy

Yazı

ve makalede adları geçen sahabi poşetlerine (23 kişi) konulsun.

Zebeyr b. el-Avvam

Makale "Vahiy" poşetindedir

bugün bile tarihi önemini korumaktadır.

Müslümanlar Eski Doğu Medeniyetinin ve Antik Devrin ilimlerinin Batı'ya aktarılmasında aracı olarak önemli roller oynadılar. Uzak Doğu menşeli ilimleri yerinden öğrenen Müslümanlar, bu ilimlere katkılarda bulunarak Batı'ya aktardılar. Avrupa da bu aracılıktan geniş ölçüde faydalanmıştır. Doğunun Batı üzerinde icra ettiği tesiri Batı Kültürünün hemen her dalında görmek mümkündür.

Her ne kadar modern bilim ve felsefenin kökenleri XV. ve XVI. yüzyıl İtalyan Rönesansı ile anılsa da *"Yeniden Doğuş"* XII. ve XIII. yüzyıllarda Paris, Oxford, Cambridge, Bologna gibi şehir merkezlerinde lonca halinde teşkilatlanan üniversitelerde gerçekleşmiştir. İslâm bilginleri Kahire, Bağdat, Şam, Endülüs okullarında teoloji, metafizik, mantık, tıp, astronomi, cebir, geometri dersleri veriyordu. Toledo'daki çeviriler sayesinde farklı diller ve kültürler kaynaşmıştı.

İslâm Avrupa ile sadece maddi hâsılatı ve teknolojik keşifleri paylaşmış değildir. İslâm ayrıca, Avrupa'yı ilim ve felsefe sahasında sadece zihni bakımdan harekete geçirmiş değildir. İslâm aynı zamanda Avrupa'ya çeki düzen vermiş ve kendisine yeni bir imaj yapmaya sevk etmiştir.

İlim ve matematik alanlarında Müslümanların rolü çok büyük olmuştur. Bu alanda Müslümanların ileri sürdüğü en önemli ve en esaslı fikir, ilmin din ile bağdaşabileceğini ortaya koymuştur. Çünkü bu dönemde kilise bilime karşı oluşuyla ön plana çıkmıştı.

İslâm düşüncesinin ve biliminin Batılılar üzerindeki etkisi XIII. yüzyılda öyle bir noktaya ulaştı ki, İbn-i Rüşd'ün Latin dünyasındaki takipçileri kilise tarafından aforoz edildiler. Latin İbn-i Rüşdçülüğü (Averroism) olarak bilinen hareket, 1277 yılında başpiskopos Tempier tarafından yasaklandı ve İbn-i Rüşd'ün eserleri toplu olarak yakıldı. Yine aynı dönemde Müslüman bilim adamlarının Arapça eserleri, Latince'ye tercüme edilerek Rönesans ve ardından modern bilimin doğuşuna zemin hazırladılar. Bütün bu gelişmelerin en önemli neticesi Batı Avrupa'nın İslâm dini ile medeniyeti arasında kesin bir ayrım yaparak, dini şiddetle reddetmesi, medeniyete ise hayranlık duymasıdır. İslâm'ın bir din ve medeniyet olarak Avrupa zihninde yarattığı ikilemi aşma çabaları, pek çok ilginç tezin ve uydurmaların ortaya çıkmasına sebep olmuştur.

Bugün yeryüzünde homojen kültüre sahip cemiyetlere rastlamak mümkün değildir. Zira insanlığın ulaştığı seviye homojen bir kültürle yaşamayı imkânsızlaştırmıştır. Zaten hangi kültürün tarihin derinliklerindeki kökleri incelenecek olursa olsun o heterojenlik apaçık ortaya çıkacaktır.

İslâm Dini en yüksek ahlak kurallarını öğütleyen bir dindir. Sanat ve teknikte ilerlemeyi amaçlayanları daima teşvik etmektedir. Yine İslâm dini, Müslümanların evrensel bir medeniyet kurmalarına imkân verecek potansiyeli her zaman için içinde bulundurmuştur ve bu potansiyel bugün için de mevcuttur.

Batı Medeniyeti, İslâm Medeniyeti'ni daima yok olmuş gibi göstermeye çalıştı. Hâlbuki İslâm Medeniyeti hâlâ ayaktadır. Buna en güzel örnek Osmanlı'nın Avrupa coğrafyasında ve özellikle Anadolu'da bıraktığı eserler ve kültürel yapıdır. İslâm medeniyeti dünyanın dört bir yanında hâlâ ayakta olan kurumlar ve eserler bırakmıştır.

D. 2535

İstem, Yıl:4, Sayı:7, 2006, s. 135 - 158

Konya
Türkiye Diyanet Vakfı Kütüphanesi
05 Ekim 2007
200365

HZ.PEYGAMBER VE HULEFÂ-İ RÂŞİDÎN DÖNEMİNDE ZÜBEYR B. EL-AVVÂM*

Mustafa ÇİÇEK

Zubair b. al-Awwam at the Time of The Prophet Muhammad and Rightly Guided Caliphs

Zubair b. al-Awwam is one of the companions of the Prophet Muhammad (pbuh). He was a leader during the Jamal Battle and refused to fight during that battle. In this article we have examined Zubair's life in Mecca and Medina at the time of the Prophet Muhammad and then we have also discussed his relationships with four rightly quided caliphs. In addition, this article aims to clarify Zubair's position at some important events in which he has got involved.

GİRİŞ

Zübeyr b. el-Avvâm Kureyş kabilesinin bir kolu olan Benû Esed'in bir ferdi olarak Hicaz'ın en önemli şehri Mekke'de doğmuştur. Zübeyr b. el-Avvâm'ın dedelerinden olan Kusay, oğulları arasında Mekke ve Kâ'be ile ilgili görev dağılımı yapmıştır. Bu görev dağılımında önem sırası farklı olmakla birlikte, her kabileye mutlaka bir veya birden fazla görev verilmiştir. Zübeyr b. el-Avvâm'ın mensup olduğu Benû Esed'e ise önemli meselelerde Kureyş'in görüşünün ortaya çıkarılması görevi *"Meşvere"* verilmiştir.[1] Hz.Peygamber'in ilk eşi Hz.Hatice ve Hz.Peygamber'in ilk vahiy şaşkınlığında bu yeni durumunu danıştığı ilk kişilerden

* Bu makale, *"Zübeyr b. el-Avvâm Hayatı ve Şahsiyeti"* (Konya, 2005) başlıklı Yüksek Lisans tezinden özetlenmiştir.

[1] İbn Hişâm, Ebu Muhammed b. Abdulmelik, *es-Sîretü'n-Nebeviyye*, thk. Muhammed Ali Gatba vd. Beyrut, 1992, I, 44; Taberî, Ebû Câfer Muhammed b. Cerîr, *Târîhu'l-Ümem ve'l-Mulûk*, Beyrut, 1986, II, 258; Cevâd, Ali, *el-Mufassal fî Târihi'l-Arab Kable'l-İslâm*, Beyrut, 1993, IV, 55; el-Ensârî, Muhammed b. Ebû Bekir b. Abdullah b. Mûsâ, *el-Cevher fî Nesebi'n-Nebi ve Ashâbi'l-Aşera*, thk. Mahmud Tûnûsî, Riyad, 1983, s. 281; *Doğuştan Günümüze Büyük İslâm Tarihi*, Redaktör: Hakkı Dursun Yıldız, İstanbul, 1989, I, 133–137

T.C.
SELÇUK ÜNİVERSİTESİ
SOSYAL BİLİMLER ENSTİTÜSÜ
İSLÂM TARİHİ VE SANATLARI ANABİLİM DALI
İSLÂM TARİHİ BİLİM DALI

ZÜBEYR B. EL-AVVÂM'IN HAYATI VE ŞAHSİYETİ

YÜKSEK LİSANS TEZİ

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Araştırmaları Merkezi
Kütüphanesi
Dem. No: 147307
Tas. No: 922.073
ZÜB

Danışman
Doç. Dr. Mehmet Bahaüddin VAROL

T.D.V İslam Araştırmaları Merkezi (İSAM)'e
Hediyemdir.
19.06.2006

Hazırlayan
Mustafa ÇİÇEK

KONYA 2005

Abdullah b. Zübeyr b. el-Avvâm, ebu bekr el-kurâsî el-esedî (v. 73 / 692)

ZUBAYR ibn-al-ʿAWWĀM, al- a cousin and close companion* of the Prophet, said to have been the fifth adherent to Islam (†627). He took part in all battles on Muhammad's side, and after his death played a conspicuous rôle in the wars leading to the conquest of Egypt. He fell in the Battle of the Camel*, fighting against ʿAlī*, the Prophet's son-in-law, whose keen rival he was in the struggle for the succession to the caliphate. ʿAlī had him buried with the highest military honours. In his wife Asmā'*, daughter of Caliph abu-Bakr*, al-Zubayr had a spouse of equally warlike spirit. His son ʿAbdullāh ibn-al-Zubayr* played an outstanding part in the political events following Caliph ʿAlī's death.

RONART, Stephan and Nandy
CEAC. S 583
1959 (AMSTERDAM)

فكري الجزار ، مداخل المؤلفين و الأعلام العرب حتى عام ١٢١٥ ه = ١٨٠٠،
الجزء الأول ،١٩٩١ الرياد . ص . 584
.DİA KTP.16760

Zubeyr b. Awwam

الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد، **الأسدي، القرشي، أبو عبدالله**

٨٣ ق هـ - ٣٦ هـ

٥٩٦ - ٦٥٦ م

١ - الطبقات الكبرى/ لابن سعد في ٣:١٠٠ .
٢ - الطبقات/ لخليفة بن خياط: ترجمة رقم ٦٧ في ص ٣٠-٣١ .
٣ - تاريخ خليفة بن خياط في ص ١٨٧ .
٤ - الأعلام ٢:٧٤ .

17 MART 1995

SUBAT 2005

Zübeyr b. Avvam

الزُبَيْر بن العَوَّام
(٣١ ق هـ / ٥٩٣ م)
(وادي السباع ٣٦ هـ / ٦٥٦ م)

الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد ، أبو عبد الله القرشي الأسدي المدني ، الصحابي ، الشجاع ، ابن عمة رسول الله صلى الله عليه وسلم ، أمه صفية بنت عبدالمطلب ، **وأحد العشرة المبشرين بالجنة ، وأحد الستة أصحاب الشورى** بعد مقتل عمر رضي الله عنهم ، وأول من سل سيفه في الإسلام .

أسلم قديماً ، وهو ابن خمس عشرة سنة ، بعد إسلام أبي بكر بقليل ، هاجر إلى الحبشة ثم إلى المدينة ، **وشهد جميع المشاهد** مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ، وكان على الكراديس في اليرموك،وشهد الجابية مع عمر بن الخطاب ، وحضر فتح مصر ، وكان مع علي في وقعة الجمل ، ثم انصرف على القتال ، فلحقه جماعة من الغواة بقيادة ابن جرموز فقتلوه بوادي السباع (من ناحية البصرة)،كان الزبير موسراً ، كثير المال ، خلف حوالي خمسين مليون درهم ، وكان بطلاً مغوراً وفي صدره أمثال العيون من الطعن والرمي ، أصيب يوم اليرموك بضربتين على عاتقه ، وبينهما ضربة من يوم بدر ، وكان طويلاً إذا ركب تخط رجلاه الأرض، معتدل اللحم ، كثير الصدقة والإنفاق ، وله مناقب كثيرة ومواقف بطولية ، وروي له ٣٨ حديثاً [١] .

محمد الزحيلي، مرجع العلوم الأسلامية: تعريفها، تاريخها، أئمتها، علمائها، مصادرها، كتبها، دمشق (د.ت.)، ص. 38، İSAM 95800

دایرة المعارف تشیع، جلد هشتم، تهران ۱۳۷۹.
10 AGOSTOS 2001

وی دارای طبعی موزون و توانا بوده و دیوان شعری شامل قصیده و غزل و مراثی به ویژه در واقعهٔ کربلا دارد. صاحب *اعلام النساء المؤمنات* می‌نویسد دیوان وی به نام دیوان زبیده به طبع رسیده است. اشعار زیر از اوست:

در شب هجران گدازم همچو شمع
روز وصلت سرفرازم همچو شمع
در رهت استاده‌ام از روی شوق
تا بیایی جان بیازم همچو شمع
از غمت با آتش هجران همی
گه بسوزم گه بسازم همچو شمع
در ده به من ساقی زان می دو سه پیمانه
کز سوز درون گویم شعری دو سه مستانه
خواهم که در این مستی خود نیز رود از یاد
غیر از تو نماند کس نه خویش و نه بیگانه
از عشق رخ جانان گشته است «جهان» حیران
مستانه سخن گوید این عاشق دیوانه.

منابع: *از رابعه تا پروین*، ۹۳؛ *اعیان الشیعه*، ۴۳/۶؛ *حدیقة الشعراء*، ۲۱۴۰/۳؛ *خیرات حسان*، ۱۱/۲؛ *الذریعه*، ۲۱۲/۹ به بعد؛ *اعلام النساء المؤمنات*، ۳۶۵؛ *ریاحین الشریعه*، ۲۶۶/۴؛ *زنان سخنور*، ۱۶۲/۱؛ *زنان نامی اسلام و ایران*، ۷۱؛ *کارنامهٔ زنان*، ۸۷؛ *مکارم الآثار*، ۷۷۸/۳.

عبدالحسین شهیدی صالحی

زُبیدهٔ شیرازی قوامی، زبیده دختر فیلسوف معروف صدرالمتألهین شیرازی در ۱۰۲۴ ق متولد شد. وی بانویی عالم، فاضل، ادیب، محدث، حافظ قرآن و عالم به تفسیر آن بوده است که نزد پدرش ملاصدرا و خواهرش ام کلثوم (که در بیشتر علوم تبحّر داشت و در فصاحت و بلاغت هم صحبت علما بود) تلمذ نمود و در ادبیات و تفسیر متبحر گردید.

زبیده با محمد الفسوی (از علمای امامیه) ازدواج کرد و محمدتقی مجلسی (مجلسی اوّل) ثمرهٔ این ازدواج بود. وی صاحب کتاب *شرح شافیه* است و فرزندش ادبیات را نزد وی فراگرفت. شرح حال این بانوی دانشمند را سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی در مقدمهٔ کتاب *معادن الحکمة* ذکر کرده است. او در ۱۰۹۲ ق وفات یافت.

منبع: *مستدرک اعیان الشیعه*، امین، ۸۳/۳.

مرضیه محمدزاده

زُبیر بن عَوّام، زبیر بن عوام بن خُوَیلد قریشی و از بنی‌اسد است. کنیه‌اش ابو عبدالله و مادرش صفیه دختر عبدالمطلب عمهٔ رسول خدا است. زبیر از جملهٔ سابقین در اسلام است و هنگام مسلمان شدن پانزده ساله بود و در شرایطی اسلام آورد که نوجوانی ناآرام، جسور و ماجراجو بود. مقاومتش در برابر عمویش که او را در حصیری آویزان می‌کرد و با دود او را شکنجه می‌کرد تا ایمان خویش را ترک کند به همین علت بود. وی اولین فرد از بنی‌اسد بود که به حبشه هجرت کرد. در هجرت به مدینه نیز شرکت داشت و در عقد مؤاخات با سلمة بن سلامة بن وَقش پیمان برادری بست. در غزوات متعددی شرکت کرد و چون در بیشتر غزوات سوار بر اسب بود به فارس اسلام لقب گرفت. در جنگ بدر دلاوری‌ها نمود و سائب بن ابی‌سائب به دست او کشته شد. در غزوهٔ احد یکی از چهره‌های بارز مسلمانان بود که دستاری زرد بر سر بسته بود به دستور رسول‌الله، معاویة بن المغیرة بن ابی العاص را گردن زد، در غزوهٔ خندق از رسول‌الله لقب حواری را گرفت. در جنگ خیبر، فتح مکه، حنین و تبوک نیز شرکت داشت. بعد از وفات رسول الله در کنار حضرت علی (ع) بود و در حمایت از او شمشیر کشید. اما بالاخره با ابوبکر بیعت کرد. در دورهٔ خلافت ابوبکر مورد توجه و مشورت بود و در جنگ یرموک شرکت کرد. در زمان خلافت عمر ناخشنودی میان زبیر و عمر دو چانبه بود هر چند از طرف عمر برای فتح مصر همراه دوازده هزار نفر حرکت کرد. در تشکیل شورای شش نفره، عمر برای اینکه فضل علی (ع) را مخدوش سازد، افرادی را همطراز علی (ع) قرار داد که از آن جمله زبیر بود و اگر چه زبیر نسبت به علی (ع) ابراز حمایت کرد ولی شورا نقطهٔ عطفی شد برای اینکه او خود را همطراز علی (ع) ببیند. در زمان عثمان، تسامح و گشاده دستی عثمان کار را به آنجا کشید که زبیر به ثروتهای افسانه‌ای دست پیدا کرد و مجموع ثروتش ۵۲ میلیون درهم شد. اما چون عثمان خانوادهٔ خود را در انتصاب به مقامات عالی و اختصاص به ثروتهای باد آورده، بر افرادی چون زبیر مقدم می‌داشت زبیر سودای خلافت در سر می‌پروراند از خلافت عثمان خرسند نبود و روایات متعددی در دست است که همگی به طور صریح و غیر صریح به نقش صحابه‌هایی مانند طلحه و زبیر و ام‌المؤمنین عایشه در هدایت و ترغیب معترضین به شورش و نهایتاً قتل عثمان دلالت کامل دارد. بعد از قتل عثمان همهٔ مردم و از جمله طلحه و زبیر با علی (ع) بیعت کردند و همهٔ روایات بدون استثناء زبیر را اولین بیعت کننده می‌دانند و می‌نویسند که در این بیعت اجباری در بین نبوده است اما این دو قصدشان این بود که از ارکان دولت آینده به حساب بیایند و وقتی برایشان آشکار شد که علی (ع) آنان را به کار نمی‌گمارد شکوهٔ خود را آشکار نمودند و چون به مخالفت عایشه و معاویه امیدوار بودند از علی (ع) اجازهٔ

MECELLETU'L-EZHER, C. 8 ,
(sayı 10), s. 631-634 , 1937 KAHİRE.

سيرة الزبير بن العوام

نسبه رضى الله عنه :

هو الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصى ، يجتمع مع النبى صلى الله عليه وسلم فى قصى ، وعدد ما بينهما من الآباء سواء . وأمه صفية بنت عبد المطلب بن هاشم ابن عبد مناف بن قصى، فتجتمع مع ابنها وزوجها فى قصى، وعدد ما بينها وبين زوجها من الآباء سواء . ولما ولدته أمه أطلقت عليه اسم وكنية أخيها الزبير بن عبد المطلب ، وكان يكنى بأبى الطاهر ، وبقى معروفا بتلك الكنية حتى ولد له ابنه عبد الله ، وهو أول مولود ولد للمهاجرين بالمدينة المنورة بأنوار النبى صلى الله عليه وسلم ، فكان بعد ذلك يكنى بأبى عبد الله .

مولده ونشأته :

ولد رضى الله عنه بمكة المكرمة، ونشأ بها فى وسط متحضر متمدين ، لأن مكة كما وصفها الله كانت أم القرى ومثابة للناس وأمنا ، يفد الى كعبتها كافة الشعوب على اختلافهم فى اللغات وتفاوتهم فى الأخلاق والعادات ، فضلا عن أنها فى وسط عربى متحضر كبنى ثقيف بالطائف ، وبنى الأوس والخزرج بالمدينة ، وبنى غسان بالشام ، وكل هؤلاء وأمثالهم يؤمونها دائما لأداء نسكهم ، وعرض محاصيلهم وثمرات أفكارهم فى سوق الأدب والتجارة . فنشأة الزبير فى تلك البيئة أكسبته الأخلاق الفاضلة والعواطف النبيلة ، الى مافيه من كرم الأرومة وشرف العشيرة وكمال الفروسية التى نالت إعجاب النبى وتقديره العالى، حتى قال له صلى الله عليه وسلم يوما « فداك أبى وأمى » .

حياته وصفته :

كانت حياته رضى الله عنه فى الاسلام كلها ممتلئة بعمل الخير ، والجد والسهر على نصرة الدين وجماعته، وإعلاء كلمة الحق، فكم قاتل فى الله وكم بارز وكم قارع، وكم خاطر بنفسه امتثالا لأمر الرسول صلى الله عليه وسلم. ولقد نوه الله بشأنه فأنزل الملائكة يوم بدر على صفته . وهو أحد العشرة الذين بشرهم النبى صلى الله عليه وسلم بالجنة ، ولم يتخلف قط عن مشهد من مشاهد الخير . أسلم رضى الله عنه بدعاية أبى بكر ، وعمره إذ ذاك خمس عشرة سنة ، وقد نال شرف الهجرة مرتين: مرة الى الحبشة ثم عاد منها الى مكة وبقى بها ،حتى هاجر الى المدينة المنورة. وكان رضى الله عنه أسمر اللون ، ربعة القامة ، معتدل اللحم ، خفيف اللحية .

شد، آگاه و هشیار شود و این هشیاری را ملکهٔ اخلاقی خود سازد و این همان خوف و حزنی است که از اوصاف اهل سلوک است و موجب بکاء می‌گردد (نک: ابن قتیبه، ۲۹۳ـ ۲۹۸؛ قشیری، ۶۴ ـ۶۷؛ ابوطالب مکی، ۲۲۵/۱ـ۲۴۲؛ غزالی، ۱۵۷/۴ـ۱۶۴؛ پندپیران، ۲۷ـ۳۷).

با این‌همه، برخی صوفیان در ارزش و اهمیت گریستن در سلوک فردی تردید کرده‌اند. آنان با این استدلال که گریه در هر حال ناشی از غلبهٔ احساس اندوه و خوف، و در نتیجه فعلی غیراختیاری است، آن را چندان با ارزش ندانسته‌اند. به اعتقاد آنها سالک در دشوارترین حالات نیز نباید چندان تسلیم احساسات شود که از اندوه بگرید. به علاوه، گریستن این نتیجهٔ منفی را نیز دارد که به فرد تسلی می‌بخشد و از شدت حزن او می‌کاهد و بنابراین، هشیاری سالک نسبت به خوف و خشیت از خداوند را کم می‌کند و دربارهٔ عامهٔ مردم این توهم را به وجود می‌آورد که گریستن به تنهایی ممکن است موجب بخشایش گناهان و نجات شخص شود. حال آنکه ترس، اندوه و گریه اگر همراه با پرهیز و عمل نباشد، نتیجه‌ای در برنخواهد داشت (قشیری، ۶۵؛ ابن جوزی، ۳۹۵). از سوی دیگر، چون گریه فعلی است که آثار آن در چهرهٔ فرد نمایان می‌شود، چه بسا که سالک را گرفتار ریا کند و آن‌گاه او را در ورطهٔ کبر و غرور افکند (ابوطالب مکی، ۲۳۵/۱).

اما برخی از عارفان برآنند که ارزش گریستن هرچه باشد، در هر حال مربوط به مراحل ابتدایی سلوک است. آنان با استناد به آیهٔ «اَلا اِنَّ اَوْلیاءَاللّهِ لاخَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لاهُمْ یَحْزَنونَ» (یونس/۶۲/۱۰)، حزن و اندوه را ناشی از تفرقهٔ خاطر و عدم وصول به حقیقت دانسته‌اند؛ حال آنکه مقام اولیاءالله بالاتر از آن است که دستخوش ترس و اندوه و گریستن ناشی از آن شوند (خواجه عبدالله، ۴۸؛ ابن عربی، ۶۳۲/۱۳ـ۶۳۴؛ عبدالرزاق کاشی، ۴۷؛ عزالدین کاشانی، ۳۹۱ـ۳۹۲؛ خواجه محمد پارسا، ۵۷). اهل الله ــ که کاملان و واصلان به حقند ــ به مقام «بهت» دست یافته‌اند که در آن سالک به مرتبه‌ای بالاتر از شادی و اندوه می‌رسد و از گرفتار آمدن در آن دو می‌رهد (ابن عربی، ۶۳۵/۱۳ ـ ۶۳۶).

در فرهنگ شیعه، علاوه بر آنکه گریستن از خوف خداوند همواره موردتوجه بوده است (نک: نیشابوری، ۴۱۸/۲ـ ۴۲۵)، به گریستن بر مصائب اهل بیت و به ویژه شهادت مظلومانهٔ امام حسین(ع) نیز تأکید شده است و روایات و اخبار متعددی در این زمینه از ائمهٔ معصومین در منابع شیعه مورد استناد قرار گرفته است (همو، ۳۸۷/۱ـ۳۹۰، ۴۳۸؛ ابن قولویه، ۲۱۰؛ شیخ طوسی، ۱۱۵؛ بحرانی، ۵۳۵). تأکید بر این اندوه و زاری و نیز روش بزرگان دین در حفظ خاطرهٔ این مصائب و بزرگداشت آنها موجب استمرار این سنت تا زمان حاضر شده است، تا آنجا که عزاداری شیعیان در ماههای محرم و صفر از جمله مهم‌ترین آیینهای مذهبی آنان به شمار می‌آید.

مآخذ: ابن جوزی، عبدالرحمان، *تلبیس ابلیس*، قاهره، ۱۳۶۸ق؛ ابن عربی، محیی‌الدین، *الفتوحات المکیة*، به کوشش عثمان یحیی، قاهره، ۱۳۹۲ق؛ ابن قتیبه، عبدالله، *عیون الاخبار*، بیروت، ۱۳۴۳ق/۱۹۲۵م؛ ابن قولویه، محمد، *کامل الزیارات*، به کوشش جواد قیومی، تهران، موسسة النشر الاسلامی؛ ابن ماجه، محمد، سنن، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، ۱۳۷۳ق/۱۹۵۴م؛ ابوطالب مکی، محمد، *قوت القلوب*، قاهره، ۱۳۱۰ق؛ ابونعیم، احمد، *حلیة الاولیاء*، بیروت، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م؛ احمد بن حنبل، *مسند*، بیروت، دارصادر؛ بحرانی، عبدالله، *العوالم، الامام الحسین(ع)*، قم، ۱۴۰۷ق؛ بخاری، محمد، *صحیح*، بیروت، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م؛ پندپیران، به کوشش جلال متینی، تهران، ۱۳۵۷ش؛ خواجه عبدالله انصاری، *منازل السایرین*، به کوشش روان فرهادی، تهران، ۱۳۶۱ش؛ خواجه محمد پارسا، *قدسیه*، به کوشش احمد طاهری عراقی، تهران، ۱۳۵۴ش؛ دارمی، عبدالله، سنن، به کوشش محمد احمد دهمان، بیروت، داراحیاء السنة النبویه؛ شیخ طوسی، محمد، *الامالی*، قم، ۱۴۱۴ق؛ عبدالرزاق کاشی، شرح *منازل السائرین*، تهران، ۱۳۹۵ق/۱۳۵۴ش؛ عزالدین کاشانی، محمود، مصباح *الهدایة و مفتاح الکفایة*، به کوشش جلال‌الدین همایی، تهران، ۱۳۶۷ش؛ غزالی، محمد، *احیاء علوم‌الدین*، قاهره، ۱۳۴۷ق؛ *قرآن مجید*؛ قشیری، عبدالکریم، *الرسالة القشیریة*، قاهره، ۱۳۵۹ق/۱۹۴۰م؛ نسایی، احمد، سنن، به کوشش عبدالفتاح ابوغده، بیروت، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۸م؛ نیشابوری، محمد، *روضة الواعظین*، به کوشش غلامحسین مجیدی و مجتبیٰ فرجی، قم، ۱۳۸۱ش؛ نیز:

Dozy, R., *Supplément aux dictionnaires arabes*, Beirut, 1981; ERE; Lammens, H., *L'Islam, croyances et institutions*, Beirut, 1943; Massignon, L., *Essai sur les origines du lexique technique de la mystique musulmane*, Paris, 1968; Pellat, Ch., *Le Milieu basrien et la formation de Ǧahiz*, Paris, 1953; Smith, M., *Studies in Early Mysticism in the Near and Middle East*, Amsterdam, 1973.

فاطمه لاجوردی

بَکّارِ بْنِ عَبْدُاللّهِ بْنِ مُصْعَب، ابوبکر (د ربیع‌الآخر ۱۹۵/ ژانویهٔ ۸۱۱)، از شخصیتهای سیاسی وابسته به حکومت عباسیان که به نیای بزرگ خود زبیر بن عوّام صحابی پیامبر اکرم(ص) منسوب شد و بکار زبیری شهرت یافت.

در خاندان زبیر، چندکس از اهل سیاست و امارت و نیز از اهل علم و قلم برخاستند؛ از جملهٔ آنها باید به مصعب بن عبدالله، برادر بکار اشاره کرد که در کتاب نسب قریش گزارش کوتاهی دربارهٔ پدر و برادر خود آورده است (زبیری، ۲۴۲). همچنین زبیر پسر بکار صاحب *جمهرة نسب قریش* دربارهٔ پدر خود مطالبی آورده که به گفتهٔ بعضی از مورخان در آنها مبالغه کرده است (مثلاً نک: ذهبی، ۱۳۱؛ سخاوی، ۳۷۸/۱). خود بکار نیز گویا در ادب و شعر دستی داشته است (مرزبانی، ۳۲۲ـ۳۲۳). او پس از پدرش که از سوی هارون‌الرشید به یمن فرستاده شد، والی و امیر مدینه گردید و پس از مرگش ابوالبختری جای او را گرفت (کلبی، ۷۱ـ۷۲؛ ابن ندیم، ۱۱۳؛ ابن سعد، ۳۳۲/۷؛ ابن خلکان، ۳۷/۶)، هرچند در بعضی از منابع پس از سدهٔ ۴ق/۱۰م، این ترتیب به گونه‌ای دیگر ذکر شده است (نک: یغموری، ۳۱۲؛ ابن اثیر، ۲۱۴/۶). بعضی او را قاضی مکه گفته‌اند (یاقوت، ۱۳۲۲/۳)، در حالی که در دیگر منابع به این نکته اشاره نشده است.

از دوران جوانی بکار اطلاع چندانی در دست نیست، اما از مجموع گزارشهای موجود پیداست که او نخست در مدینه در دستگاه امارت پدرش برآمد و از ۱۸۳ق/۷۹۹م به امارت مدینه برگزیده شد (نک: بسوی، ۱۷۴/۱؛ سخاوی، همانجا). بی‌گمان، دشمنی شدید او با طالبیان و علویان و خبرچینی دربارهٔ کارها و حرکات ایشان برای هارون‌الرشید

Zubeyr b. Awwam

THE ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM (New Edition), VOL.XI (Fasc. 187-188), 2002 LEIDEN, pp. 545-551.

and M. Marín, in *COA*, iv (1985-7 [1989]), 41-60; Tha'ālibī, *Ṯatīmat al-dahr*, Cairo 1375/1956, ii, 71; Ibn Ḥazm, *Djamharat ansāb al-'Arab*, Cairo 1382/1962, 412; Ibn Mākūlā, *Ikmāl*, Ḥaydarābād 1384/1965, iv, 221-2 (with brother and sons); Ḥumaydī, *Djadhwat al-Muktaba/is*, Cairo 1372/1952, 43-5; Fatḥ b. Khākān, *Matmaḥ al-anfus*, in *al-Mawrid*, x/3-4 (1402/1981), 251-4; Sam'ānī, *Ansāb*, Ḥaydarābād 1386/1966, vi, 265 (with sons); Ibn Khayr, *Fahrasa*, Saragossa 1894-5 and Baghdād 1382/1963, index; Ḍabbī, *Bughyat al-multamis fī ta'rīkh riḏjāl al-Andalus*, Madrid 1885, 56-7; Yāḳūt, *Udabā'*, vi, 518-22; Ḳifṭī, *Inbāh al-ruwāt*, Cairo 1374/1955, iii, 108-9; idem, *al-Muḥammadūn min al-shu'arā'*, al-Riyāḍ 1390/1970, 207-9; Ibn Khallikān, s.v.; Ibn Sa'īd, *al-Mughrib fī ḥulā 'l-Maghrib*, [2]Cairo 1964, i, 255-6; Ṣafadī, *al-Wāfī*, Istanbul 1949, ii, 351; Dhahabī, *Tadhkirat al-ḥuffāẓ*, Ḥaydarābād 1376/1957, iii, 982; idem, *al-'Ibar*, Kuwait 1961, iii, 12; idem, *Siyar a'lām al-nubalā'*, Beirut 1403/1983, xvi, 417-8; Yāfi'ī, *Mir'āt al-djanān*, Ḥaydarābād 1338/1919, ii, 409; Ibn Farḥūn, *al-Dībādj*, Cairo 1351/1932, 263-4; Fīrūzābādī, *al-Bulgha fī ta'rīkh a'immat al-lugha*, Damascus 1392/1972, 218-9; Ibn Ḳāḍī Shuhba, *Ṭabaḳāt al-naḥwiyyīn wa 'l-lughawiyyīn*, Nadjaf 1974, 88-9 (with brother and sons); Suyūṭī, *Bughya*, 66-7 (Cairo 1384/1964, i, 84-5); idem, *al-Muzhir*, Cairo 1378/1958, index; Makḳarī, *Analectes*, ii, 320, index = *Nafḥ al-ṭīb*, Cairo 1368/1949, v, 24, 152-4, vi, 66; Ibn al-'Imād, *Shadharāt*, iii, 94-5; Kh[w]ānsārī, *Rawḍāt al-djannāt*, Tehran 1367/1948, 685-6; Ismā'īl Pasha, *Hadiyyat al-'ārifīn*, Istanbul 1955, ii, 51.

2. Studies. Brockelmann, I[2], 139-40, S I, 203; O. Rescher, *Abriss der arabischen Litteraturgeschichte*, Stuttgart 1933, repr. with additions, Osnabrück 1983, ii, 241-2; Ziriklī, *A'lām*, [4]Beirut 1979, vi, 82; Kaḥḥāla, *Mu'allifīn*, Damascus 1379/1960, ix, 198-9; idem, *al-Mustadrak 'alā Mu'djam al-mu'allifīn*, Beirut 1406/1985, 625; idem, *Mu'djam muṣannifī 'l-kutub al-'arabiyya fi 'l-ta'rīkh wa 'l-tarādjim wa 'l-riḥalāt*, Beirut 1406/1986, 464; M.'A. Mudarris, *Rayḥānat al-adab*, [2]Tabrīz 1347/1968, ii, 363; G. Flügel, *Die grammatischen Schulen der Araber*, Leipzig 1862, 263-4, repr. Nendeln 1966; S. Wild, *Das Kitāb al-'Ain und die arabische Lexikographie*, Wiesbaden 1965, index; J.A. Haywood, *Arabic lexicography*, [2]Leiden 1965, 61-2 and index; N.R. 'Azzāwī, *Abū Bakr al-Zubaydī al-Andalusī wa-āthāruhu fi 'l-naḥw wa 'l-lugha*, Baghdād 1395/1975; R. Sellheim, *Abū 'Alī al-Qālī. Zum Problem mündlicher und schriftlicher Überlieferung*, in *Studien zur Geschichte und Kultur des Vorderen Orients (Festschrift Bertold Spuler)*, Leiden 1981, 362-74; M.L. Ávila, *Obras biográficas en el Muqtabis de Ibn Ḥayyān*, in *al-Qanṭara*, x (1989), 463-83; G. Makdisi, *The rise of humanism in Classical Islam and the Christian West*, Edinburgh 1990, index; Ṭ. 'Alāma, *al-Ṭabaḳa wa 'l-naḥw, ma'a dirāsa li-minhadjiyyat al-nuḥāt min al-Zubaydī al-Andalusī ilā 'l-Suyūṭī al-Miṣrī*, Beirut 1992. (R. SELLHEIM)

AL-ZUBAYR B. AL-'AWWĀM B. KHUWAYLID, Abū 'Abd Allāh al-Ḳurashī al-Asadī, one of the most eminent Companions of Muḥammad, known by the surname *Ḥawārī* (a Ge'ez loanword) *Rasūl Allāh* ("the Disciple or Apostle of the Messenger of God"). He is one of the ten Companions to whom Paradise was promised by the Prophet (*al-'ashara al-mubashshara* [*q.v.*] or *al-mubashsharūn al-djanna*) and a member of the *shūrā* [*q.v.*] appointed by the dying caliph 'Umar b. al-Khaṭṭāb to elect his successor. The name al-Zubayr is derived from *al-zabr, ṭayy al-bi'r bi 'l-ḥidjāra*, casing of a well with stones (Ibn Durayd, *al-Ishtiḳāḳ*, 47-8) or a strong man (*LA*, s.v. *z-b-r*).

His mother, Ṣafiyya bt. 'Abd al-Muṭṭalib b. Hāshim, was the Prophet's aunt, so that he was a cousin of Muḥammad and a nephew of his wife Khadīdja bt. Khuwaylid. A report asserts that al-Zubayr, Ṭalḥa b. 'Ubayd Allāh, 'Alī b. Abī Ṭālib and Sa'd b. Abī Waḳḳāṣ were all born in the same year (al-Dhahabī, *Ta'rīkh*, 499). Al-'Awwām died when al-Zubayr was very young and he was taken into the care of his uncle Nawfal b. Khuwaylid.

Al-Zubayr was one of the earliest converts to Islam: some claim that he was the fourth or fifth male who adopted the new religion. Reports disagree concerning his age when he followed Muḥammad. The best known states that he was 16 years old at the time. Ibn Isḥāḳ attests that Abū Bakr persuaded him, together with four other future members of the *shūrā*, to embrace Islam; the version of the Zubayrīs has it that he was eight years old when he followed Muḥammad and that, when he was 12, he drew his sword to protect him and became the first person who drew a sword in the way of God; to give more credibility to this version, a report claims that he converted to Islam with 'Alī (Ibn 'Asākir, xviii, 344-5; al-Dhahabī, *Siyar*, i, 41, 45). The contradictions between these versions are the result of debates within Muslim society concerning the precedence claimed in adopting the new religion (*sābiḳa*), according superiority to the first converts (cf. I. Hasson, *La conversion de Mu'āwiya ibn Abī Sufyān*, in *JSAI*, xxii [1998], 214-42).

Al-Zubayr took part in the first *hidjra* and returned with the first group to Mecca when rumours spread that the Meccans had become reconciled to Muḥammad since he was ready to recognise the three goddesses, al-Lāt, al-'Uzzā and Manāt [*q.vv.*]. Later, al-Zubayr, accompanied by his mother, migrated (*hādjara*) from Mecca to Medina.

Within the range of the institution called *al-mu'ākhāt* ("brothering" [*q.v.*]), al-Zubayr was paired probably with the Awsī Salama b. Salāma b. Waḳsh or with the Khazradjī poet Ka'b b. Mālik [*q.v.*]; earlier, in Mecca, he was paired with 'Abd Allāh b. Mas'ūd [see IBN MAS'ŪD].

Al-Zubayr took part in most of the early battles. At Badr (2/624 [*q.v.*]), there were only two horsemen in the ranks of the Muslims; al-Zubayr was one of them. The Zubayrīs relate that the archangel Djibrīl and the angels who took part in this battle (Ibn Hishām, *Sīra*, ii, 285-6) wore yellow turbans like that of al-Zubayr (Ibn 'Asākir, xviii, 353-5). At Uḥud (3/625 [*q.v.*]), the Prophet expressed his admiration for Zubayr's valour. During the Battle of the Trench (al-Khandaḳ [*q.v.*]) in 5/627, al-Zubayr was sent by the Prophet to spy on the Banū Ḳurayẓa. Muḥammad said on this occasion: "Each prophet has his true disciple, and al-Zubayr is mine" (*li-kulli nabiyy[in] ḥawāriyy[un] wa-ḥawāriyya al-Zubayru*; al-Wāḳidī, *al-Maghāzī*, ii, 457). Just after the Battle of al-Khandaḳ, al-Zubayr and 'Alī organised the massacre of Banū Ḳurayẓa, carrying out the sentence pronounced by Sa'd b. Mu'ādh [*q.v.*] and approved by Muḥammad (al-Wāḳidī, *al-Maghāzī*, ii, 513; al-Ṭabarī, *Ta'rīkh*, i, 1499). During the Khaybar campaign (7/628), al-Zubayr distinguished himself more than any other warrior except 'Alī. Throughout the course of the conquest of Mecca, al-Zubayr commanded the left wing of the Muslim army. At Tabūk (9/630 [*q.v.*]), al-Zubayr held the Prophet's "greatest banner", *al-rāya al-'uẓmā* (al-Wāḳidī, *al-Maghāzī*, iii, 996). After Muḥammad's death, al-Zubayr took part in the battle of al-Yarmūk (15/636 [*q.v.*]) and later 'Umar sent him with 4,000 reinforcements to support 'Amr b. al-'Āṣ in the conquest of Egypt.

Journal of the Royal Asiatic Society
(S.1), 1936, s. 55-63, (LONDON)

The MS. Bodl. Marsh 384

By A. AHMEDALI

THE MS. consists of 203 folios; but the first leaf bears only the title of the work. Size of the written page is 8½ in. by 5½ in.: thirty to thirty-one lines to a page. On the title-page appear the words كتاب تاريخ اخبار قريش ونسبهم وهو المسمى بالجمهرة تصنيف ابى عبدالله بن مصعب رواية ابى عبدالله احمد بن سليمان الطرسى رض, which are of a much later date than the MS. itself, and added probably by some bookseller. The colophon, which is written in the same hand as the text, contains the date 7th Sha'bān, 547. The whole MS. is very closely written and with hardly any diacritical points or vowel-signs. The absence of these and the peculiar style of the writing make it rather difficult reading. Unfortunately the work is not complete in this MS. The whole work was divided into twenty-three sections (اجزاء), of which the last ten sections (14–23) are given here complete and the greater part of section 13, of which only a page or two seem to be missing. Thus the first portion of the MS. comprising more than half the work is missing.

Both the name of the work and the name of the author as given on the title-page are erroneous. The correct name of the work is كتاب جمهرة نسب قريش واخبارها or shortly كتاب نسب قريش; for every new section begins with the words الجزء (الرابع عشر) من كتاب جمهرة نسب قريش واخبارها, while the colophon begins with the words هذا اخركتاب نسب قريش.[1] The author of the work is Abū 'Abdullāh az-Zubair b.

[1] See also Fihrist (Leip.), p. 110, كتاب نسب قريش واخبارها. See also Ḥaj. Khal., where it is differently given; in Yāqūt, iv, 219, it is كتاب انساب قريش واخبارها; in Ibn Khall. كتاب انساب قريش; but I regard the MS. itself and the Fih. as more accurate in this respect. See also Ibn al-Khair al-Ishbīlī's Fihrist, p. 239.

Zubair b. Abī Bakr Bakkār b. Abdullāh b. Muṣ'ab b. Thābit b. 'Abdullāh b. az-Zubair b. al-'Awwām al-Qurashi, who came from Medina, was a great scholar and author of several works, and was appointed the *qāḍi* of Mekka where he died in 256.[1] Now Abū 'Abdullāh b. Muṣ'ab b. 'Abdullāh, the author of the other *Kitāb Nasab Quraish* mentioned above, is the uncle of Zubair :—

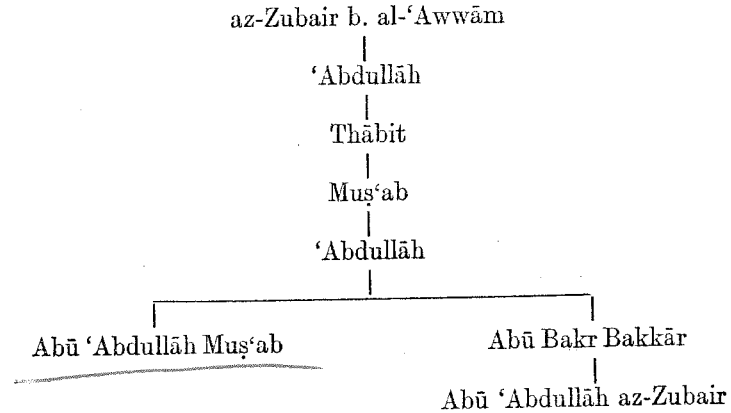

The source of the information of our author is the *riwāyah* of his uncle Muṣ'ab; for most (not all) of the *riwāyāt* in the book begin as حدثنا الزبيرقال وحدثنى عمى مصعب بن عبدالله, while some go back to his grandfather: حدثنا الزبيرقال واخبرنى عمى مصعب بن عبدالله عن جدّى عبدالله بن مصعب.

The fact that Zubair relates on the authority of Muṣ'ab and that both these works are named alike might have led some to think that they were one and the same and even to identify Zubair's work with that of Muṣ'ab.[2] But they are two different compilations by two different authors, viz. Muṣ'ab and Zubair, and handed down through entirely different channels. The *Kitāb Nasab Quraish* of Muṣ'ab comes to us

[1] Yāqūt, iv, 218; Ibn Khall., i, 236; Fih., 110.

[2] As appears from the title that has been given to the Bodley MS.

قال طلحة : قلت : (نَعَمْ ، نَعَمْ أنا)

فقال : هل ظَهَرَ (أحمد) بَعْدُ ؟

قلت : وَمَنْ (أحْمَد) ؟

قال : ابنُ عبد الله بن عَبْدِ المُطَّلِب ، هذا شَهْرُه الذي يَخْرُج فيه وهو أحد الأنْبياء ، مَخْرَجُهُ مِنَ الحَرَمِ ومهَاجَرُه إلى نَخْلٍ مَحَرّة وسباخ ، فإياك أن تُسْبَقَ إليه .

قال طلحة : فوقع في قلبي ماقال ، فخرجتُ سَرِيعاً حَتَّى قَدِمْتُ (مكة) ، فقلْتُ : هل كان من حَدَث ؟ قالوا : نعم ! محمدُ بنُ عبد الله ، الأمينُ تَنَبَّأ ، وقد تَبِعَهُ ابنُ أبي قُحافَةَ ، قال : فَخَرَجْتُ حَتّى دخلتُ على أبي بكر ، فقلت : اتَّبَعْتَ هذا الرجُلَ ؟ ، قال : نعم ، فانطلق إليه وادخُلْ عليه فاتَّبِعْهُ فإنه يدعو إلى الحق .

فأخبره طلحة بما قال الراهب [٢٥ / ب] ، فخرج أبو بكر بطلحة فَدَخل به على رسول الله - ﷺ - فأسلم طلحة وأخبر رسول الله - ﷺ - بما قال الراهب ، فسُرَّ رسول الله - ﷺ - .

☆ ☆ ☆

es-Şevkânî, Derrüs-Sehâbe Fî Menakibi'l-Karâbetî ve's-Sahâbe (Tahk. Hüseyn b. Abdullah el-Umerî) Dimeşk 1404/1984

Zübeyr b. Avvâm

فصل

[٦] في مَنَاقِب الزُّبَيْر [بنِ العَوّام]

رَضِيَ اللهُ عَنْهُ

(١) أخرج (البُخاري) و (مُسْلم) وغيرُهما من حديث جابر أن رسول الله ﷺ قال : « إنّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوَارِيّاً ، وإنّ حَوَارِيَّ الزُّبَيْرُ بنُ العَوَّام » .

(٢) وأخرجه (التِّرْمِذي) و (الحاكم) في (المستدرَك) من حديث علي .

(٣) وأخرجَهُ (ابن عساكر) من حديث (الزُّبَيْر) .

(٤) وأخرجه (الدارقطني) في (الأفراد) و (ابنُ عَدِيّ) من حديث أبي موسى .

(٥) وأخرجه (الزُّبَيْر بن بَكّار) و (ابنُ سَعْد) و (ابن عَساكر) من حديث (ابن عمر) .

(٦) وأخرجه (أحمد) و (البَزّار) و (الطَّبَراني) من حديث عبد الله بن الزُّبَيْر بإسنادٍ صحيح ، والبَزّار من حديث عائشة بإسنادٍ رجاله ثقات .

---

(١) (البخاري) : (مناقب الزبير ..) ٧ / ٦٤ ، (مسلم) : ٢ / ٢ / ١١٣ ، الحميدي : ٢ / ١٢٩ رقم ١٢٣١ ، ابن سعد : ٣ / ١٠٥ ، ابن ماجه : ١ / ٥٩ .
والحواري : خالصة الإنسان وصفيه المختص به ، وقيل الحواري الناصر .

(٢) (التّرمذي) : وقال عنه : حديث حسَن (مناقب الزبير ١٠ / ٢٤٦) ، (المستدرك) : ٣ / ٣٦٧ .

(٣) (كنز العمال) : / ٦٨٢ - ٦٨٣ عن ابن عساكر وغيره مما سيلي ، وهو في تهذيب ابن عساكر : ٥ / ٣٦١ .

(٤) (كنز العمال) : رقم (٣٣٢٩٧) .

(٥) نفسه ، الرقم السابق ، وهو في ابن سعد ٣ / ١٠٥ وتهذيب ابن عساكر ١ / ٣٥١ .

(٦) عن (مجمع الزوائد) : ٩ / ١٥١ وأضاف في آخره : « وابن عمتي » ، وهو عند (أحمد) من حديث جابر .

eş-şevkânî, Derrü's-Sehâbe Fî Menâkibi'l-Kârâbeti ve's-Sahâbe (Tahk. Hüseyn b. Abdullah el-Umerî), Dimeşk 1404/1984.

Zübeyr b. Avvâm

[٦] الزُّبَيْرُ بنُ العَوَّام بنِ خُوَيْلد

الأَسَدي ، القُرَشي ، أبو عبد الله ، الصَّحابي المشهور الشجاع

٢٨ ق هـ - ٣٦ هـ / ٥٩٦ - ٦٥٦ م

أحد العشرة المبشرين بالجنة ، وأول من سَلَّ سَيْفاً في الإسلام ، ابنُ عمة النبي ﷺ وحَواريّه ، أسلم صغيراً وشهِدَ بَدْراً والمشاهِد ، وجعله عمر في رجال الشورى للخلافة بعده ، وكان موسراً كثير التجارة ، خرج لمحاربة علي في (يوم الجمل) لكنه اعتزل الحرب وقتله ابن جُرْموز غيلة بوادي السّباع على مَقْرُبة من البَصْرة .

له في الصحيحين (٣٨ حديثاً) ، وقد حدث عنه ابناه عبد الله وعروة ، والأحنف ، وقيس بن أبي حازم وغيرهم .

(ابن هشام : ٢ / ٣٢٩ ، ٣ / ٢٨ ، ٤ / ١٧١ و ٣٣٥ ، طبقات ابن سعد : ٣ / ٢١٤ - ٢٢٥ ، الطبري : ١٠ / ٢٩٦ الفهرس / ، المعارف ٢٢٨ - ٢٣٤ ، الجرح والتعديل : ٤ / ٤٧١ ، حلية الأولياء : ١ / ٨٧ ، صفة الصفوة : ١ / ١٣٠ ، مشاهير ابن حِبّان : رقم ٨ ، الاستيعاب : ٢ / ٧٦٤ ، الطبراني (الكبير) : ١ / ٦٨ ، المستدرَك : ٣ / ٣٦٨ - ٣٧٤ ، تهذيب الأسماء : ١ / ٢٥١ ، تاريخ الإسلام : ٢ / ٢١٦٣ ، العبر : ١ / ٣٧ ، سير أعلام النبلاء : ١ / ٢٣ ، مجمع الزوائد : ٩ / ١٤٧ - ١٥٠ ، العقد الثمين : ٥ / ٦٨ ، تهذيب التهذيب : ٥ / ٢٠ ، الإصابة : ٣ / ٢٩٠ ، كنز العمال : ١١ / ٦٩٥ ، مَنتخب كنز العمال : (حاشية مسند أحمد : ٥ / ٦٥ - ٦٨) تهذيب ابن عساكر : ٧ / ٧٤ ، شذرات الذهب : ١ / ٤٢ .

وراجع المصادر الأخرى المذكورة في مناقبه وأهمها : مسند (أحمد) ، (البخاري) ، (الترمذي) ، (ابن ماجة) ، (مسلم) ، (النسائي) .

Zübeyr b. Avvam

أبي الصلْت»، و«أخبار حسان بن ثابت»، و«أخبار عمر بن أبي ربيعة»، و«أخبار ابن هَرْمة»، ومنها في موضوعات أخرى مثل: «نوادر أخبار النساء»، و«مزاح النبيﷺ»، وكتاب «النخل»، و«أخبار المدينة» وغيرها.

وهذه الكتب كانت مادة لكثير من المصنفات التي ألفت بعده مثل «مروج الذهب»، و«الاستيعاب»، و«الروض الأُنُف»، و«شرح نهج البلاغة»، و«الإصابة»، و«خزانة الأدب» للبغدادي وغيرها.

محمود فاخوري

مراجع للاستزادة:
- الزبير بن بكار، الأخبار الموفقيات، تح. سامي مكي العاني (بغداد ١٩٧٢م).
- جرجي زيدان، تاريخ آداب اللغة العربية (بيروت ١٩٦٧م).
- الخطيب البغدادي، تاريخ بغداد (بيروت، الطبعة المصورة).
- ياقوت الحموي، معجم الأدباء (دار المستشرق، بيروت).

■ الزبير بن العوام

(٢٨ق.هـ - ٣٦هـ/٥٩٤ - ٦٥٦م)

أبو عبد الله الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي بن كلاب القرشي الأسدي، من أوائل الصحابة وكبارهم.

لقبه رسول اللهﷺ بالحواري فقال: «الزبير ابن عمتي وحواري من أمتي» فصار يعرف بحواري رسول الله.

تكنى بعبد الله وكانت أمه صفية بنت عبد المطلب، عمّة رسول اللهﷺ تكنيه بأبي الطاهر؛ بكنية أخيها الزبير ابن عبد المطلب.

والزبير ابن أخي أم المؤمنين خديجة بنت خويلد، وزوجته أسماء بنت أبي بكر (ذات النطاقين) (ت ٧٣هـ/ ٦٩٢م). وله العديد من الأولاد الذكور سمى عشرة منهم بأسماء صحابة استشهدوا، وهم عبد الله ومصعب وعروة والمنذر وعمر وعبيد وجعفر وعامر وعميرة وحمزة. وأسماء بناته خديجة الكبرى وأم الحسن وعائشة وحبيبة وسودة وهند ورملة وخديجة الصغرى.

ولد بمكة ونشأ فيها، ومات أبوه وهو صغير؛ وتميز بصفات لافتة للنظر في شخصه وحياته، فكان طويلاً جداً قوي البنية؛ فقد قاتل، وهو غلام، بمكة رجلاً فكسر يده.

والزبير صحابي جليل أسلم بعد أبي بكر، وكان عمره ١٦ سنة على الأرجح، وقيل ١٢ وقيل ٨ سنوات، وقد ثبت على الإسلام على شدة ما لقيه من العذاب. وهاجر الهجرتين إلى الحبشة وآخى الرسول بينه وبين طلحة بن عبيد الله (ت٣٦هـ/٦٥٦م) قبل الهجرة؛ وآخى بعدها بينه وبين سلمة بن سلامة بن وقش. وهو أحد العشرة المبشرين بالجنة، وأحد ستة مات الرسول وهو عنهم راض؛ لذلك اختاره عمر بن الخطاب في الستة الذين يصلحون بعده للخلافة.

كان الزبير ذا كرم فياض لصدق إيمانه. وقد ورث اليسار والغنى والمتاجر. وقيل: كان له ألف مملوك يؤدون إليه الخراج، فلا يدخل بيت ماله منهم درهم، وينفقه كله في سبيل الله حتى مات مديناً، فأوصى ابنه عبد الله أن يقضي دينه، قائلاً له: «إذا أعجزك دين فاستعن بمولاي» فسأله عنه فقال: «الله. نعم المولى ونعم النصير». فيقول ابنه: «فوالله ما وقعت في كربة من دينه إلاّ قلت: يا مولى الزبير!! أقض دينه، فيقضيه».

فالزبير ركن قوي في بناء دعائم الإسلام، وفيٌ أبيٌ كريمٌ، فارس شجاع قوي لا يهاب الموت.. فهو أول من سلّ سيفه في سبيل الله ونافح عن رسوله الكريم، ولم يتخلف عن غزوة غزاها رسول الله؛ شهد بدراً، وشهد أحداً وفيها ندبه الرسول مع أبي بكر لتعقب جيش قريش الراجع إلى مكة، ولما رأت قريش ذلك ظنت أنه طلائع للمسلمين؛ وأنها أساءت تقدير خسائرهم، فأسرعت نحو مكة. وثبت عن الزبير أنه قال: جمع لي رسول اللهﷺ أبويه مرتين. يوم أحد ويوم قريظة، فقال: ارم!! فداك أبي وأمي!! وروت صفية أن قوله تعالى: ﴿الذين استجابوا لله وللرسول من بعد ما أصابهم القرح﴾ (آل عمران ١٧٢/٣) إنما نزل فيه وفي أبي بكر.

وشهد الخندق والحديبية وخيبر والفتح وحنيناً والطائف؛ وفتح الشام فكان على الكراديس في معركة اليرموك، وذكر أيضاً أنه شهد فتح مصر، وشهد الجابية مع أمير المؤمنين عمر؛ فلا عجب بعد هذا أن يضرب به المثل؛ فيقال: أفرس من الزبير بن العوام.

ولعل من أهم ما يثبت رجاحة عقل الزبير وتبصره بالأمور موقفه في يوم الجمل، وكان قد قدم البصرة من المدينة مع أم المؤمنين (عائشة) وطلحة بن عبيد الله مناوئاً الإمام علياً ومخالفاً إياه، وكان من قبل قد بايعه بالخلافة، ومن بعد دارت رحى الخيل ولقي علي الزبير في ساحة القتال فذكّره علي

الموسوعة العربية, المجلد العاشر, دمشق 2004. ISAM 138734